

دانشجوی امروز معلم فردا

شماره مجوز: ۴۲۱/۳۴۰/۱/۵۱۰۰/د



نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

سال اول / شماره دوم / فروردین ماه ۱۴۰۰

معلمین توانمند

برای مناطق کم برخوردار!

گفتگو با استاد معماری، آموزگار نمونه پایه ششم ابتدایی و مدرس دانشگاه فرهنگیان / صفحه ۱۸

صدای پای بهار

ویژه آغاز سال نو / صفحه ۴

۱۲

روانشناسی
عزت نفس

۲

بشنو صدای
خسته‌ام را

۲۲

معلم
و اجتماع

شناسنامه نشریه



نشریه علمی، فرهنگی و سیاسی دانشجوی امروز، معلم فردا

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر بیرجند

مدیر مسئول: امیر عربی سردبیر: مهدی عرب شوشک

گرافیکست و صفحه آرا: سیدصادق حسینی

هیئت تحریریه:

سعید حسینی، مهران طالبی، سعید حسینی قهستان، فرزین ملکوتی، مهدی طوری، سیدمحمدحسین آفتابی، محمدجواد مرتضوی نیا، علیرضا بانویی، محسن آتش زر، امیرعلی محمدیان، مصطفی عباسجو، سیدحسین طالبی، عمران کمال پور، محمدرضا رحیم زاده، علی طهماسبی، محمد حسینی، عالیه انصاری، حسن یآوری

فهرست مطالب:



۱ سخن سردبیر

۲ بشنو صدای خستهام را

۴ صدای پای بهار

۵ رباعیات زعفرانی

۶ در مسیر تربیت

۸ روزی روزگاری نفت

۱۰ سرداران کربلا

۱۱ رویای معلمی

۱۲ روانشناسی عزت نفس

۱۴ داستان های معلمی

۱۶ معرفی انجمن علمی مشاوره

۱۷ نادر چون نادر

۱۸ مصاحبه دانشجویی

۲۲ معلم و اجتماع

۲۴ زندگی به سبک شهدا

۲۶ معلم نیوز

۳۰ جمهوری با رنگ و بوی اسلامی

۳۲ معلم خلاق

۳۴ کافه کتاب

۳۵ کافه سینما

۳۶ بوم گردی

رسانه ما در فضای مجازی



@skh_cfu_nashrie

سخن سردبیر

مهدی عرب شوشک 

غرق در افسانه ها شده ام. دوباره عطر شکوفه های بهاری این خانه را پر کرده، نغمه سرمستانه گنجشگ ها زمین و زمان را مدهوش ساخته. در همین حوالی از راه رسید بهار کوله بارش را آهسته بر زمین گذاشت، دستی بر سر زمین کشید و درخت ها را از خواب سنگین زمستان بیدار کرد. تمامی کائنات به دنبال حضرت بهار به راه افتاده اند، مدام می ایستاد و با همه کس دیدار می کرد، لحظه ای ایستاد، ماهی های قرمز رودخانه را بوسید و هفت سین را در آغوش گرفت. ساعت را فراخواند، ساعتی که حوالی سال تحویل را نشان می داد، سکوتی شیرین حکم فرما شد، بغض ۹۹ شکست و ۱۴۰۰ متولد شد. آری این است افسانه بهار. از طرف کادر نشریه دانشجوی امروز و معلم فردا نوروز باستانی ۱۴۰۰ را به مقدم همه بزرگواران و فرهیختگان عرصه دانش تبریک و تهنیت عرض نموده و سلامتی را مهمترین سین هفت سین تان خواستاریم و مفتخریم از اینکه بتوانیم اندکی حال و هوای دل های مهربانتان را در این ایام عوض کنیم. با نظرات سازنده خود از ما حمایت کنید تا بتوانیم برای شما که لایق بهترین ها هستید بهترین باشیم. روز و روزگار بر شما خوش



بشنو صدای خسته ام

شعبان که از راه می رسد مشتاق به نیمه رسیدن است. کی می تواند شکر این را بجا آورد که مولود تو را در سینه دارد. روزگاری خفقان میهمان دیارت بود. حتی سکوت هم جرأت شکسته شدن را نداشت. بغض ها در گلو نفس گیر شده بود. همه در انتظارت بودند اما نه برای ماندن برای اینکه تو را از زمین و زمان ما بگیرند. آخر چه شد! همه مدهوش ماندند و تو آمدی! رخ نشان دادی. رنگ روزگار پرید! اما طولی نکشید که غیبت آغوشش را برایت گشود. از امروز بگویم! کائنات به خود می بالند ماه آسمان قصه ها بافته از دیدن صورت ماهت تا هر شب برای ضیافت ستارگان بگوید. خورشید از چهره نورانی ات شرمنده است گاهی ابرها را برای پنهان شدن انتخاب می کند. مهدی جان چگونه پای درد دل هایت بنشینم در حالی که دلم را گناه ویرانه کرده از تمامی سال به دنبال نیمه شعبانیم آنقدر عطش داریم مانندتشیه ای که سالهاست رنگ آب را هم ندیده! نیمه شعبان از راه که می رسد تمامی دیارمان را گل آذین می کنیم تا غم جانسوز انتظارت کمتر شود. زمین و زمان بداند به خودمی بالیم که چون تو را داریم حتی اگر تمام دنیا کمر به نابودی ما ببندد. دلخوشیم که هستی! باور کن جمعه ها که می شود حال دل های مان جور دیگر می شود از عطش انتظارت ساعتها پیمان را



قسم می دهیم که کمی زودتر بگذرند اما ظهر که می گذرد نفس زدن ها بیشتر می شود نمیدانم چه درد دل دارد این غروب های جمعه غروب هایی که غم های صد ساله دلهایمان می گذارد آنقدر می سوزیم تا این لحظه فقط رفتن جا از بدن را طلب داریم. انتظار واژه ای است که سال ها ما را اسیر کرده گناه از ما خسته شددیگر هر صبح و شب ناله می زنیم از فراغت اما که چه؟ درست است آقا جان صورتت از گناهان ما سیلی فراوان خورده اما چه کنیم که هنوز اندر خم این کوچه مانده ایم! راستی آقا جان مثال رنگین کمان پس از باران را شنیده ای یک عمر می نشینیم به انتظارت که رنگین کمان عالم ما بشوی بشنو صدای خسته ام را جمکران که دور است. از همین جا دلم را بخر. آخر دیگر کاسه صبرم لبریز شده . جانم بگوید برایت که در کنج دلم یک خانه را به نامت زدم آخر حیف است بی صاحب بماند دلی که یک عمر در انتظار است.

اللهم عجل لولیک الفرج

مهدی عرب شوشک

صدای پای بهار

داریم به روزهای آخر سرد زمستان نزدیک می‌شویم. نفس‌های ننه سرما مثل روزهای اول زمستان نیست؛ نرم‌نرمک بهار می‌رسد. عمونوروز، هر سال در آخرین روزهای زمستان با سبزی پر از شکوفه‌های بهاری به خانه‌ی ننه سرما می‌رود تا به رسم ادب و احترام شاخه گلی به او بدهد و اولین تبریک فرارسیدن بهار را به او بگوید. فصل‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند. بهار انگار معجزه‌ی خداوند مهربان است و جان می‌بخشد به تن مرده‌ی زمین. بهار مثل مادری است که با قلب مهربانش؛ قلب و جان خسته‌ی فرزندش را دوباره به تپش می‌اندازد. بهار با آمدنش شور و شوق کودکانه‌ای در آدم‌بزرگ‌ها ایجاد می‌کند. با خودش حال خوب و روزهای زیبایی را می‌آورد. نوروز و بهار یعنی اینکه باید امید داشته باشی چراکه همه چیز گذرا و موقتی است. بعد از تاریکی همیشه روشنایی است. زمستان، امید بهار را در دلش دارد و به شوق دیدار بهار به خواب می‌رود تا زودتر دست نوازش بهار را با تمام وجودش حس کند. خود خدا گفته: ((إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)). بهار یعنی هیچ زمستانی ماندنی نیست. آهای رفیق، دل تکه‌ای از خونه تکه‌ای واجب تره، دلتو از هر چیزی یا هرکسی که ناراحت کرده بود بتکون. ((يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ)) خدایا بگردان حال ما را به نیکوترین حال ای تغییردهنده دل‌ها و دیده‌ها. الهی همیشه دلتان سبز بهاری باشد.

مصطفی عباسجو



رباعیات زعفرانی

به دستانت نگین کهربائی
به پا خلخال بستی بی صدایی
نمی‌تونم بچینم میوه‌ات را
فغان و داد از دست جدایی

به طوق گردنت یاقوت بستی
به روی شاخه‌ها مجنون نشستی
اگر دستم رسد بر گردن تو
بگیرد خار تو دستم ز مستی

نگاه تو تنم را تیر کرده
به دست و پای من زنجیر کرده
بیا آستین دستم را رها کن
میون شاخه‌هایت گیر کرده

صدای ناله‌هایم را شنیدی
به نیش خار جانم را گزیدی
چرا زخم زبانم می‌زنی تو؟
چرا بر دست من ناخن کشیدی؟

لب سرخ تو را ترکیده دیدم
سیه‌چشم تو را خوابیده دیدم
تکان دادم تو را بیدار کردم
به پایت دانه‌ها چسبیده دیدم

عقیق شهر قاین دانه‌هایم
بر انگشتر نگینی کهربایم
غم سنگین بارت را ندارم
ز بار تر بشد خم شاخه‌هایم

بس روزگار سختی، بر زعفران گذشته
تا از پیاز جاننش گل سرزده نشسته
آسان نیامده گل بر دست پینه‌بسته
دهقان برای وصلش خار و خسی شکسته

ما جشن زعفران را در پای گل گرفتیم
با جوش زعفرانی صبح‌های گل گرفتیم
قاین به خود ببالد با تو عروس زیبا
در پایتخت گل‌ها آرای گل گرفتیم

✍ میلاد حسن مختاری (باکمی تلخیص)
به اهتمام: محسن آتش زر



در مسیر تربیت

چگونه یک کلاس جذاب داشته باشیم؟

اداره صحیح کلاس درس از مسائل مهم آموزشی است. زیرا از این طریق معلم می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نماید و با ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری شرکت دانش آموزان را در فعالیت های یادگیری افزایش دهد. صرف نظر از این که معلم با چه روشی آموزش می دهد و اهداف او از آموزش چه هستند لازم است که کلاس درس را به صورت موقعیتی مناسب و جذاب برای یادگیری در نظر بگیرد و اقداماتی را بدین منظور انجام دهد. معلمان موفق به شیوه های متفاوتی عمل می کنند اما در یک رویکرد باهم مشترک اند که آن توانایی اداره کردن کلاس خود به طور موثر و کار آمد می باشد بدون مهارت های مورد نیاز برای عملی کردن این کار حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد.

جذابیت کلاس با روش های جذاب تدریس و معلم پر جاذبه حاصل می شود پس لازم است که معلم اقداماتی را در جهت داشتن یک کلاس شاداب و جذاب انجام دهد که در اینجا به آن ها اشاره می کنیم:

۱- روشهای تدریس: معلم باید با توجه به شرایط کلاسی - امکانات و تجهیزات - توانایی های خود و شاگردان و محتوای کتاب درسی یک روش مناسب انتخاب نماید که باعث انگیزه و اشتیاق به درس شود.

۲- حرکت های معلم: بین حرکت های معلم و توجه شاگردان رابطه مستقیم وجود دارد هرچه حرکات هدفمند معلم و حرکت کردن به آخر کلاس و برگشتن و حرکات پایین کلاس معلم بیشتر باشد معلم بر کلاس تسلط



بیشتری خواهد داشت و دانش آموزان به او توجه خواهند کرد و در نتیجه یادگیری بهتر صورت می گیرد.

۳- تشویق و تمجید دانش آموزان: معلم می تواند با توجه به سن دانش آموزان از تقویت پته ای نیز بهره ببرد و یا از کارت های تلاش امتیاز و کارت جایزه به منظور آموزش و پرورش سودگرایانه بهره ببرد.

۴- تدوین قانون و مقررات کلاس: تدوین قوانین کلاسی و تشریح آن برای دانش آموزان و آگاهی دادن به آنها باعث ایجاد نگرش می گردد و در نهایت موجب عملکرد مثبت فردی و گروهی می شود لذا معلمان باید در تدوین مقررات کلاس به خصوص در روزهای اول دقت کافی داشته باشند.

۵- بردن کتاب های مرتبط با درس اثر خوبی بر جلب توجه دانش آموزان دارد و این اعمال را هرگز فراموش نکرده و شما را به عنوان معلمی و علاقه مند به حرفه خود معرفی خواهد کرد.

۶- وضع نکردن مقررات دست و پاگیر و خشک کلاسی باعث جلوگیری از خستگی معلم و دانش آموز خواهد شد

۷- بردن دانش آموزان به گردش علمی کلاسی

۸- اوقات اضافی کلاس را با دانش آموزان در مورد مهم ترین اتفاقات هفته پیش در سطح شهر یا رسانه ها تبادل نظر کنید.

۹- هر چند وقت یک بار به دانش آموزان اجازه بدهیم خاطرات خوب و بد خود را از کلاس شما یا کلاس سنوات قبل برای کلاس تعریف کنند این مورد علاوه بر اینکه باز خورد برای کلاس شماست می تواند در جذابیت کلاس و رفع نگرانی و حتی اضطراب دانش آموزان نقش داشته باشد.

۱۰- استفاده از بازی های آموزشی می تواند بر جذابیت بیشتر کلاس بیفزاید.

۱۱- تعاملی کردن کلاس: معلم باید از روشی استفاده کند که دانش آموزان با تعامل با یکدیگر کار کنند و هر دانش آموزی نقشی بر عهده داشته باشد و برای تکمیل تکلیف باید به عنوان عضو گروه کار کند.

۱۲- استفاده از فناوری و رسانه در کلاس درس

مهدی طوری 



روزی روزگاری نفت

نفت داستانی سراسر پیچیده و پرفرازونشیب را بر تاریخ این مرزوبوم رقم زده است. از زمان کشف نفت در ایران اتفاقات فراوانی پیرامون آن افتاده است. این منبع غنی که اولین بار در دوران قاجار استخراج شد شروع فصل جدیدی از تاریخ و روابط خارجی برای ایران بود. در طول این سال‌ها تحلیل‌های زیادی پیرامون شخصیت‌های تأثیرگذار در صنعت نفت ایران شکل گرفته است که بعضی فعالیت‌های آنها را شجاعانه و بعضی دیگر اشتباه دانسته‌اند؛ اما موضوعی که روشن است تأثیر مهم این ماده سیاه در تاریخ معاصر ایران است. اکتشاف نفت در مسجدسلیمان این شهر را به نخستین شهر نفتی ایران و پایتخت نفت در سرزمین کهن و باستانی ایران زمین و خاورمیانه بدل کرد تا این مهم، فصلی جدید و درخشان در جنوب و در راستای پیشرفت ایران باشد. در تاریخ ۲۸ ماه می سال ۱۹۰۱ میلادی، در زمان سلطنت مظفردالدین شاه قاجار، ویلیام ناکس داری، تاجر طلا در انگلستان امتیاز کشف نفت ایران را از آن خود کرد و برای این منظور جورج برنارد تجربیاتی در زمینه حفاری در مناطق نفت‌خیز سوماترا داشت، برای اکتشاف و استخراج نفت به استخدام رینولدز را که نفت

خود درآورد. رینولدز در پایان سال ۱۹۰۲ میلادی عملیات حفاری نخستین چاه را در چاه سرخ واقع در قصر شیرین و همچنین شاردین رامهرمز آغاز کرد و همزمان، مقدمات حفاری در منطقه نفتون مسجدسلیمان را فراهم کرد. در سال ۱۳۲۸ و در دوره رضاشاه تصمیم گرفته می‌شود که به قرارداد داری پایان داده شود. با الغای قرارداد داری اما دولت ایران نتوانست مالکیت منابع نفتی را در اختیار بگیرد. شخص رضاشاه پس از مذاکره با سر جان کدمن، رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس و رجینالد هوار سفیر بریتانیا در ایران این قرارداد را قبول کرد و مقامات دولت را وادار به تصویب آن کرد. مجلس شورای ملی نیز به اتفاق آرا آن را تصویب کرد. در این قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس همچنان به اکتشاف و استخراج و فروش منابع نفتی ایران، بدون هیچ الزامی به ارائه صورت عملکرد به دولت ایران، ادامه می‌داد. مدت قرارداد ۶۰ سال تعیین شد. همزمان با شکل‌گیری اعتراضات گسترده بخشی از نمایندگان مجلس شورای ملی، فعالان ملی‌گرا و مردم ایران، انگلیسی‌ها جهت حفظ و تحکیم موقعیت خود در سرپل‌های نفتی ایران بر آن شدند با اعطای برخی امتیازات محدود بر اعتراضات پایان دهند. مهم‌ترین این اقدامات قرارداد گس-گلشائیان بود که به



لایحه الحاقی نفت نیز مشهور شده است و دولت علی رزم‌آرا تلاش فراوان کرد تا بلکه مجلس شورای ملی آن را تصویب کند؛ اما به رغم تمام فشارها و تهدیدهایی که وجود داشت مجلس شورای ملی آن را رد کرد. مدت کوتاهی پس از آن کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی طرح ملی‌شدن صنعت نفت ایران در سراسر کشور را به نمایندگان پیشنهاد کرد که پس از کش و قوس‌های متعدد در داخل و خارج از مجلس و بالاخص مدت کوتاهی پس از آن که رزم‌آرا نخست وزیر وقت در روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ از سوی خلیل طهماسبی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام هدف گلوله قرار گرفته و به قتل رسید مورد توجه جدی نمایندگان قرار گرفت. دکتر محمد مصدق در مجلس و بیرون از آن این جنبش را که به «نهضت ملی شدن نفت» معروف شد، هدایت می‌کرد و در رأس مبارزات ملی شدن صنعت نفت ایران قرار داشت. با رشد جنبش ملی شدن نفت، محافل وابسته برای سرکوب جنبش تلاش‌های تازه‌ای را آغاز کردند و همزمان، فشارهای سیاسی و اقتصادی از جانب انگلیس فزونی گرفت و با اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس، این فشارها ابعاد نظامی یافت. در چنین موقعیتی کارگران با اعتصاب‌ها، موقعیت دکتر مصدق را مستحکم‌تر کردند. فردای قتل رزم‌آرا، روز ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون نفت پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را تصویب و اعلام کرد. قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که به امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی ایران در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه

شد و در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب گردید. مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تصویب کرد و پیشنهاد قانونی شد. بدین ترتیب روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به عنوان روز تاریخی ملی‌شدن صنعت نفت ایران در حافظه ملت ایران باقی ماند. اکنون با گذشت بیش از یک قرن هنوز چشمه های نفتی مسجدسلیمان پایتخت نفت ایران و خاورمیانه می جوشند و می‌خروشند و به همت و تلاش متخصصان متعدد این مرزوبوم قطار توسعه کشورمان با سرعتی ستودنی بر ریل پیشرفت و استقلال حرکت می‌کند.

مصطفی عباسجو





آمده سبط نبی، چشم پیمبر روشن
دیدگان علی و حضرت مادر روشن
معنی دیگری از عشق الهی آمد
دیده ی خالق این شیر دلاور روشن
خامس آل عبا، خامس اصحاب کسا...
آمده، دیده ی صحابه ی حیدر، روشن
ز آسمان ها به زمین آمد و با آمدنش
آسمان ها و زمین گشت، سراسر روشن
چشم خورشید که خود چشمه ی هر روشنی است
شده از چهره ی آن ماه منور روشن
از شراب خبر آمدنش مست شدیم
دیدگان و دل آن ساقی و ساغر، روشن
من حسینی شده ام از سر لطف تو، حسین
از ولای تو شد این قلب مکدر، روشن
نگهی کن به حسینی و سعیدش گردان
و بکن چشم مرا لحظه ی محشر روشن

سعيد حسینی قهستان

عطش، واژه‌ی غریبی است از جنس وفا، عشق، غیرت و مردانگی
که در یک نام خلاصه می‌شود «عباس»، بی‌دست دستگیر. تو
از نسل کسی هستی که نامش تاقیام‌قیامت بر تارک شیعه می
درخشد، تو پور خیبر کنی یلی از نسل بنی‌هاشم تو قمر بنی
هاشمی تو باید می‌ماندی و بر شب‌های تار صفین می‌تابیدی تا
مهتابی شود. تو غربت علی را با تمام وجود احساس کرده بودی
آرزو داشتی وقتی در کنار علی می‌ایستی علی بگوید نیاز به لشکر
ندارم عباس برایم به اندازه‌ی یک لشکر است به‌راستی که سخن
گزافی نیست اگر بگوییم سپهسالار لشکر حسین بودی. تو از
نسل مادر دل‌سوخته‌ای مادری که معجزه‌گر بود نمی‌دانم که سحر
لالایی مادر چگونه در تاروپود وجودت نهاده شد که این‌گونه
از خود بی‌خود شدی شیدایی حسین شدی فدایی حسین شدی
به یاد دارم هنگامی که آب را شرمسار خودت کردی آب روی آب
ریختی و آبرو خریدی چه شیرین در دل تلخی غرق اندر خون
امامت را برادر صدا زدی و چه دردناک بود لحظه‌ای که کودکان
با دیدن خیمه‌ی خوابیده‌ات از طلوع دوباره‌ات ناامید شدند و
دانستند که با دو بال قشنگت در راه عشق به پرواز درآمده‌ای و
علمت را بر بلندای تاریخ علم کرده‌ای تا تاریخ همیشه با
شنیدن نامت در برابر وفا و مردانگی تو کمر خم کند و
بر خود ببالد که شاهد وجود و حضور عباس بن علی
در زمانی هرچند اندک در خود بوده است.

عمران کمال پور

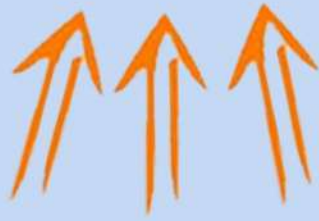
روپای معلمی

همیشه در جواب سوال میخواهید چکاره شوید؟ معلمان دبستان، یک جواب را سر زبان داشتیم؛ میخواهم معلم بشوم. شاید در آن زمان درک کاملی از سوال معلم ها و جوابی که من به آنها میدادم نداشتم ولی هرچه بزرگتر شدم بیشتر به حرف خودم میرسیدم که چقدر زیاد دوست دارم که معلم بشوم. اوج لذت من در مدرسه بعد از یادگیری، یاد دادن مطالب به دوستانم بود که نیاز به کمک داشتند. آنقدر این کمک کردن و یاد دادن برایم لذت بخش بود که به یاد نمی آورم در این امر خسته شده باشم یا از کمک به کسی سر باز زده باشم. همین لذت یاد دادن مرا بیشتر ترغیب می کرد تا شغلی را که روزی در لا به لای حرف های کودکانم جدی تر دنبال کنم تا بتوانم عمری را که در اختیار دارم صرف کاری کنم که همه اش عشق است و لذت و بیشتر از آن تربیت کودکانی پاک که زندگی کردن با آنها تنها کاری است که خستگی در آن بی معنا میشود. حال که این توفیق نسیب من شده بسیار از خدا سپاسگذارم و همواره از پروردگار می خواهم تا مرا در این امر مهم که اصل کار انبیا و اولیاءالله بوده یاری کند تا تربیتی صحیح و کامل را به آینده سازان سرزمینم منتقل کنم.

علی طهماسبی



{روانشناسی عزت نفس}



عزت نفس از آسمان برایمان نمی‌بارد و نمی‌توانیم آنرا از کسی هدیه بگیریم، باید نهال آنرا در وجودمان بکاریم و با عملی که انجام می‌دهیم آنرا آبیاری کنیم. منبع آن درون ماست و اتفاقاتی مثل تحسین شدن از سوی دیگران شاید حس خوبی به ما بدهد اما اسم این کار افزایش عزت نفس نیست. در دنیایی زندگی می‌کنیم که تنها قانون ثابت آن، قانون تغییر است. برای ادامه دادن به این زندگی بهتر است از درون به ثبات برسیم تا در این تلاطم دوام آورده و ادامه دهیم. این ثبات، حاصل برداشتی است که از خودمان داریم. خیلی از ما آدمها از درونمان غافلیم و به قول قدیمی‌ترها «کور خودیم و بینای

دیگران»، عیب دیگران را می‌بینیم ولی از عیب های خود بی‌خبریم

و تلاشی برای اصلاحشان نمی‌کنیم. از نگاه دکتر هلاکویی،

عزت نفس یعنی؛ «من خودم را خوب بدانم و به خود

احترام بگذارم، از آنچه هستم و دارم خجالت نکشم و همچنین

دیگری را همچون خودم خوب بدانم و هراس اجتماعی نداشته

باشم». عزت نفس سالم ارتباطی دوطرفه با عمل ما دارد، هم

بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. خجولی کردن،

از قضاوت دیگران ترسیدن و ابراز وجود نکردن، از فرط حقارت به

تحقیر دیگران پرداختن، زندگی بی‌هدفی داشتن و مواردی از این

دست که مجال پرداختن به آن در این نوشته وجود ندارد، برای ما جز



عزت نفس ضعیف و شکننده چیزی دیگر باقی نمی‌گذارد و چون از حرمت نفس می‌کاهند، سبب انتخابهای بدتری هم می‌شود. اعتقاد دکتر هلاکویی بر این است که؛ «اساس عزت نفس یعنی من نه از دیگری بهترم و نه بدتر، نه بالاتر و نه پایین‌تر، من منم و تو تویی». دو آدم مجزا با استعدادها و شرایط زیسته مختلف. بجای مقایسه زندگی خود با دیگری، در تلاش برای زدن رکورد خودمان باشیم و نه دیگری. حتی اگر عزت نفس سالمی هم داشته باشیم، در زندگی با مشکل مواجه می‌شویم چراکه مشکلات و چالش‌ها همیشه زمانی برای جولان دادن پیدا می‌کنند اما آنچه مهم‌تر است بلند شدن بعد از هر زمین خوردنی است و پذیرفتن اشتباه و جبران آن است تا بتوانیم از گذشته عبرت گرفته و «از خود آدم بهتر و برتری می‌سازیم». عزت نفس با خودبرتر بینی، خوار و خفیف کردن دیگران، دیگر آزاری و حتی فخر فروختن، یکی نیست و هیچ اشتراکی با این موارد ندارد. کارل یونگ، روانپزشک سوئیسی در این زمینه می‌گوید «هیچگاه انسان سالم، دیگری را شکنجه نمی‌کند. این انسان آزار دیده است که آزار می‌رساند، زخم خورده‌ها علاقه عجیبی به زخم زدن به دیگران دارند، آنها که از عزت نفس پایینی برخوردارند میل عجیبی به تحقیر کردن و گرفتن اعتماد به نفس و عزت نفس دیگران دارند...». حرمت یا احترام متقابل در روابط او دیده می‌شود یعنی «من محترم هستم و تو هم همینطور، بی‌احترامی نمی‌کنم و هیچ بی‌احترامی را هم نمی‌پذیرم». کلام آخر اینکه، شخصی با عزت نفس سالم، بین آنچه می‌گوید و آنچه عمل می‌کند هماهنگی وجود دارد و حرف و عمل او یکی است. با جمله‌ای از ناپلئون بناپارت در این خصوص، نوشته خود را به پایان می‌رسانم «همیشه حرفی را بزن که بتوانی آن را بنویسی، چیزی را بنویس که بتوانی آن را امضاء کنی و چیزی را امضاء کن که بتوانی پایش بایستی».

فرزین ملکوتی 



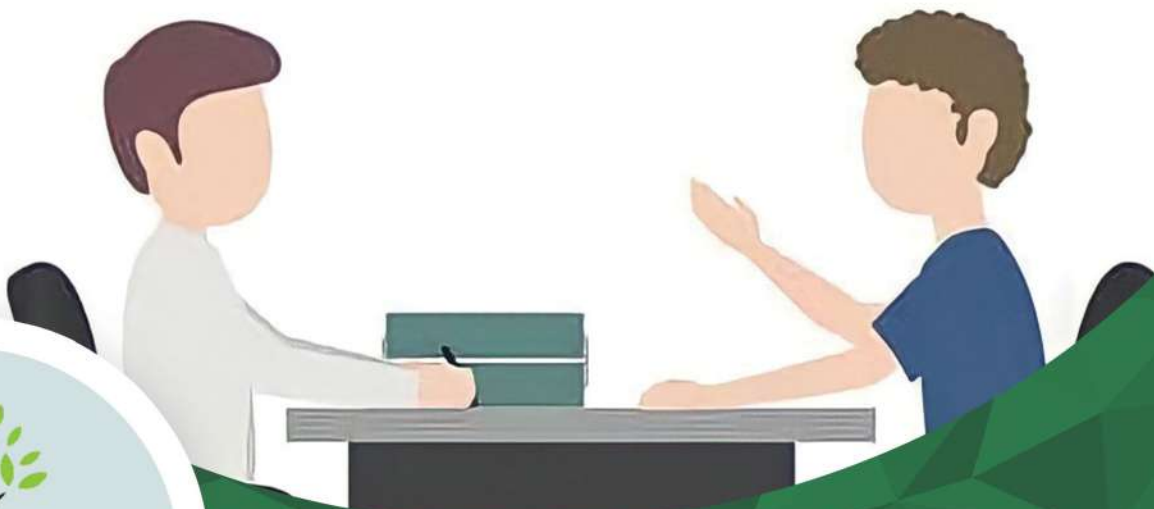
محمد رضا رحیم زاده

یک ربع بیشتر!

در یکی از روزهای دوران تحصیل بنده در دوران دبیرستان، اتفاقی موجب شد که کلاس درس ریاضی ما ۱۵ دقیقه زودتر به اتمام برسد. جلسه بعد، آقای ذاکر، دبیر ریاضی ما اصرار داشت که حتما باید آن ۱۵ دقیقه جبران شود و این جلسه باید ۱۵ دقیقه بیشتر در کلاس باشیم. ما دانش آموزان هم طبق معمول به شوخی به این امر اعتراض می کردیم که این یک ربع ارزشی ندارد. بگذارید برویم، منزل منتظرمان هستند؛ سفره غذا پهن است و از این قبیل حرفها؛ اما هرچه ما اصرار می کردیم آقای ذاکر زیر بار نمی رفت و اصرار داشت که حتما باید آن ۱۵ دقیقه جبران شود. در همین حین اصرار ما و انکار ایشان بود که ناگهان متوجه شدیم چشمان ایشان را اشک فرا گرفته است. در یک آن، همه ساکت شدیم. چیزی حدود ۱۰ ثانیه سکوت مطلق کلاس را فرا گرفت. هیچکس چیزی نمی گفت و همه تعجب کرده بودیم که چه اتفاقی رخ داده است. ایشان رو به ما ایستاد و با همان حالت گفت: «من با این حقوقی که از تدریس به شما به دست می آورم، نان بر سر سفره خانواده ام می برم. راضی نباشید که این نان حلال نباشد؛ من نمی توانم در روز قیامت جوابگوی این کم کاری خودم باشم». بعد از این حرف آقای ذاکر، من که نماینده کلاس بودم، به باقی دانش آموزان متذکر شدم که حتما باید این ۱۵ دقیقه را در کلاس باشیم تا ایشان درس بدهد. آن روز و آن ۱۵ دقیقه گذشت. سال تحصیلی هم تمام شد و همه ما درس ریاضی آن سال را به خوبی یاد گرفتیم. حدود سی سال از آن ماجرا گذشت. یک روز در دفتر کار خود در سازمان برنامه و بودجه مشغول به کار بودم که از دفتر مقام معظم رهبری با بنده تماس گرفتند و بنده را برای برنامه ای به دفتر ایشان دعوت کردند. روز بعد هنگامی که داشتم ماشین را از جای پارک خارج می کردم تا به سمت بیت حرکت کنم، در حال بیرون زدن ماشین از جای پارک، سپر ماشین بنده به ماشینی که جلو پارک کرده بود مالیده شد. از ماشین پیاده شدم. نگاهی به سپر انداختم و آن را بررسی کردم. متوجه شدم که فقط درحد یک خط کوچکی که روی آن کشیده شده است، مشکل دیگری رخ نداده است. دستی بر آن خط کشیدم. آن خط آنقدر سطحی بود که با یک دست کشیدن من پاک شد و هیچ اثری از آن باقی نماند. وقتی متوجه شدم اتفاق خاصی رخ نداده است و آن خط اصلا به چشم هم نمی آید، با خوشحالی سوار ماشین شدم تا به سمت بیت حرکت کنم. هنگام روشن کردن ماشین، ناگهان در یک لحظه، اشک های آن روز آقای ذاکر جلوی چشم هایم ظاهر شد. هرکار کردم نتوانستم حرکت کنم. اصلا وجدانم راضی نمی شد. از ماشین پیاده شدم. کاغذی را از جیب در آوردم و روی آن نوشتم: «برادر عزیز؛ به جهت اینکه در روز قیامت بنده سپری ندارم که به شما بدهم، این شماره من است؛ اگر احيانا مشکلی پیش آمده بود با بنده تماس خواهید گرفت. ارادتمند بنیادی» این را نوشتم و برگه را زیر برف پاک کن ماشین گذاشتم و رفتم. چون می دانستم اتفاقی رخ نداده، آن فرد هم حتما تماس نخواهد گرفت. از طرفی وجدانم هم راضی بود که وظیفه خودم را انجام داده ام. شب شد. به خانه رفتم. داستان را برای همسرم بیان کردم. چیزی نگذشت که تلفن بنده زنگ خورد. در کمال ناباوری شخص تماس گیرنده همان صاحب ماشین بود. وقتی همسرم متوجه شد ایشان پشت خط است، گفت: «نباید همچین کاری می کردی. آخر اتفاقی نیوفتاده بود که شماره ات را گذاشتی؛ او حتما متوجه شده است که تو چکاره هستی و حتما می خواهد باج بگیرد. اگر احيانا دیدی خیلی اصرار می کند، در یک پارک با او قرار بگذار و هرچه

می‌خواهد به او بده و نگذار که به خانه بیاید». اما آن مرد اصرار داشت که حتماً به خانه ما بیاید. آدرس را از من پرسید و من هم آدرس منزل را به او دادم. چیزی حدود ۲ ساعت نگذشته بود که زنگ خانه به صدا درآمد. هنگامی که درب را باز کردم، با صحنه عجیبی رو به رو شدم. آن مرد با همسرش به همراه یک دسته گل پشت درب ایستاده بودند. خیلی تعجب کردم که چرا همراه با همسر خود آمده است و چرا آنها دسته گل با خودشان آورده اند. تعارفشان کردم. آمدند بالا و نشستند. بعد از احوال‌پرسی‌های مرسوم، خود ایشان شروع به صحبت کرد. گفت: «ما خیلی مدیون شما هستیم. شما لطف بزرگی به ما کردید». تعجب من و همسر من با این حرف بیشتر شد. با چهره‌ای حیران به همسر من نگاه کردم. در این فکر بودیم که جریان چیست که ایشان ادامه داد: «شما با این کارتان باعث شدید یک زوج از هم جدا نشوند و یک معلول هم به حق خود برسد». با شنیدن این حرف تعجب ما بیشتر هم شد. آخر من که کاری نکرده بودم. چرا او همچین حرفی می‌زند. در همین حال پرسیدم: «چطور ممکن است؟». مرد صاحب ماشین ادامه داد و شروع به تعریف داستان کرد. ایشان گفت: «بنده یک برادر معلول و یک خواهر دارم. پس از فوت پدر و مادر، همسر من از من خواست که در بحث انحصار وراثت، حق خواهر را به او بدهم اما حق برادر معلول را به او ندهم؛ تا سرمایه بیشتری برای خودمان بماند. او می‌گفت برادر بیچاره تو معلول است و به این پول احتیاجی ندارد. ما بیشتر به این پول احتیاج داریم. اما من به این امر راضی نمی‌شدم و اصلاً نمی‌توانستم وجدانم را راضی کنم که همچین کاری را انجام بدهم. مدام باهم سر این قضیه بحث می‌کردیم. همین موضوع و عدم تفاهم، ما در نهایت باعث شد که به جدایی از هم فکر کنیم. اصلاً نمی‌توانستیم باهم کنار بیاییم. این موضوع ادامه پیدا کرد تا امروز که این اتفاق افتاد و کاغذ شما را روی ماشین دیدم. بعد از خواندن متن آن سپر را بررسی کردم. هرچه دقت کردم، جز یک خط کوچک ناچیز، خسارت دیگری مشاهده نکردم». ایشان می‌گفت: «بعد از دیدن کاغذ شما روی ماشین و بررسی سپر، همسر من را صدا زدم. وقتی آمد به او گفتم که سپر ماشین را نگاه کند. با دقت هم نگاه کند. او هم با دقت نگاه کرد. سپس از او سوال کردم آیا خط یا خسارتی به سپر وارد شده است یا نه؟ و جواب او هم طبق معمول منفی بود. وقتی علت را جویا شد که چریان چیست و چرا من از او خواسته‌ام که سپر را بررسی کند، کاغذ شما را به او نشان دادم. به او گفتم این مرد با اینکه هیچ اتفاقی رخ نداده و فقط یک خط کوچک که حتی به چشم هم نمی‌آید، روی ماشین افتاده است، دارد می‌گوید من نمی‌توانم در قیامت جوابگوی تو باشم؛ آنوقت تو چطور از من می‌خواهی که حق مسلم یک انسان و آن هم یک انسان معلول، که نمی‌تواند از خودش دفاع کند را زیر پا بگذارم. این حرف را که گفتم همسر من خیلی به هم ریخت. وارد خانه شد؛ درب اتاق را بست و نزدیک ۴ ساعت گریست. بعد نزد من آمد. از من خواست تا حق برادر من را به او بدهم و گفت باید حتماً با این مرد تماس بگیرم و برای تشکر از او، حتماً باید پیش او برویم. ما الان برای این موضوع پیش شما آمده ایم. آمده ایم تا از شما تشکر کنیم. شما با این کارتان هم زندگی ما را نجات دادید و هم باعث شدید که حق برادر من به او برسد و من مدیون او نباشم». خیلی داستان جالبی بود. موقعی که داشتم کاغذ را می‌نوشتم اصلاً به مخیله ام نمی‌گنجید که آن کاغذ همچین تاثیری را خواهد گذاشت. از ایشان به خاطر این قدردانی که کردند و این احترامی که گذاشتند تشکر کردم اما به ایشان گفتم که من کاره‌ای نبوده‌ام و شما این را مدیون معلم ریاضی دوران دبیرستان من آقای ذاکر هستید؛ سپس داستان آن روز و آن اتفاق و آن ۱۵ دقیقه را برایشان تعریف کردم. (بر اساس داستانی از جناب آقای دکتر بنیادی از مسئولین وقت سازمان برنامه و بودجه)

بله اینگونه است. اثر کار یک معلم و اثر حرف یک معلم، سال‌ها بعد خودش را نشان بدهد.



انجمن راهنمایی و مشاوره
پردیس شهید باهنر بیرجند

معرفی انجمن علمی مشاوره پردیس شهید باهنر

انجمن علمی مشاوره در تلاش است تا علاوه بر ظرفیت اعضای شورای مرکزی، از استعدادها و ظرفیت های خارج از شورای مرکزی هم استفاده کرده و از نظرات و پیشنهادات دیگر دانشجویان و یا اعضای جدیدالورود با آغوش باز استقبال کند. هدف کلی ما این است که بتوانیم زمینه را برای خلق و مهم تر از آن، عملیاتی کردن ایده های نو فراهم نماییم تا در کنار کلاسهای درسی، به ارتقای سطح علمی دانشجو معلمان نیز کمک کنیم. قصد این را نداریم که کلیه فعالیت های خود را در برگزاری کارگاه ها و یا وبینارها تعریف و خلاصه کنیم، امیدواریم به خروجی فعالیتهای خود تنوع داده و کارهای باکیفیت تری را به سرانجام برسانیم.

بدلیل شرایط کرونایی که بالطبع بر فعالیت های ما هم تأثیر گذاشته، بیشتر تمرکز خود را بر تولید محتوا گذاشته ایم تا در کنار وبینارهای علمی و تخصصی، محتویات خوبی را به دانشجویان ارائه دهیم. اولین ایده تولید محتوای انجمن، طراحی و انتشار پوستر و اینفوگراف هایی بوده و هست و در ترم پیش رو کوشش ما بر این است که در کنار آنها، ایده های جدید تری را هم پیاده سازی کنیم. ایده «معرفی کتاب» هایی که در دانشگاه کمتر به آنها پرداخته شده اما می توانند برای دانشجو معلمان مفید باشد هم در برنامه انجمن مشاوره قرار دارد که بزودی این برنامه را آغاز خواهیم کرد. «رادیو اینترنتی مشاور» ایده ای است که از طریق فایل های صوتی (یا همان پادکست) منتشر می شود و سعی داریم تا از طریق آن درمورد مسائل و موضوعاتی اطلاعات در اختیار دانشجو معلمان قرار دهیم که امیدواریم مفید فایده واقع شود. موضوع فصل اول، باورهای غلط درباره مسئله اعتیاد بود که در قالب ۱۱ فایل صوتی منتشر شد. در کنار تمام این فعالیت ها، سلسله وبینارهایی با عنوان «از انتخاب تا ازدواج» را در سال ۹۹ شروع کرده و جلسه پایانی آنرا در فروردین ماه سال ۱۴۰۱ برگزار کرده و به این سلسله کارگاه ها پایان خواهیم داد و بعد از آن به سراغ موضوعات دیگر خواهیم رفت. البته از آنجایی که همه برنامه ها با نظر اعضای انجمن (اعضای شورای مرکزی و عادی انجمن) طراحی و اجرا می شود، ممکن است در آینده تغییراتی در برنامه های از قبل پیش بینی شده ایجاد شود. از تک تک عزیزانی که با انجمن همکاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم و از دانشجویان عزیز دعوت به عمل می آوریم تا ما را در انجام فعالیت های برنامه ریزی شده یاری نمایند. امید است که شاهد افزایش کیفی و کمی فعالیت های این انجمن باشیم... بدرود.



فرزین ملکوتی

دبیر انجمن علمی مشاوره

جهت کسب اطلاعات بیشتر و عضویت در انجمن به نشانی [@birjand_moshaver](mailto:birjand_moshaver) مراجعه نمایید



نادر حور

در باغ ادبیات معاصر ما انسان‌های بزرگ و شریفی روییده‌اند، اما تعداد کمی از آن‌ها هستند که هم روییده‌اند و هم رویانده‌اند! یکی از ایشان جناب ابراهیمی است که بسیار نادر است! و می‌خواهم از باب صمیمیت وارد خانه‌ی گرمش بشوم و او را به اسم کوچک صدا بزنم. نادر، یک مهمان‌سرا نیست که اندکی در آن بمانی و بگذری؛ نادر خانه‌ای است بزرگ و صمیمی که می‌توان در آن توقف، تفکر و تأمل کرد و سالیان متمادی به درودیوار و پنجره و فرش و تابلوهای آن نگرست و از کلام پرصلابت به‌کاررفته در آن لذت برد. نادر، موزون و پر مضمون است. نادر تظاهر نمی‌کند بلکه او، خود «یک عاشقانه آرام» و «آتش، بدون دود» و بقیه آثار خویش است. او همواره در ستایش عشق، زن، مهربانی، خشوع، شجاعت و مبارزه برای آزادی قلم می‌زند. نوشتن از او برایم مشکل است ولی خوب این را می‌دانم که او در اعماق خاک باغچه‌ی روح کوچک من چیزهایی کاشته است که سال‌ها بعد رویانده خواهد شد. به نظرم کتاب‌های نادر را نباید خواند! بلکه باید زیست. من نیز در او زیسته‌ام و چه‌بسا زندگانی در داستان‌های شگرفش را به زندگی حقیر خویش ترجیح می‌دهم. البته که این احساس را در جوانی خود دارم بازگو می‌کنم و شاید و حتی باید این احساس عوض بشود؛ چراکه من نیز انسانم و برخلاف نباتات توانایی تغییر نظر و رویه دارم؛ اما نادر برایم همیشه نادر بوده، هست و خواهد بود.

مهران طالبی 

محبابه دانشجوی

پای صحبت امید معماری آموزگار نمونه پایه ششم ابتدایی

امیر عربی



جناب آقای امید معماری آموزگار پایه ششم هستند و مدرک کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دارند. ۱۶ سال سابقه خدمت دارند و هم اکنون برای سومین سال پیاپی سرگروه پایه ششم ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان هستند. در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به عنوان معلم نمونه شهرستان بیرجند معرفی شدند و ۴ سال پیاپی رتبه اول تا سوم اقدام پژوهی در استان را کسب کرده اند و در دوره های

مختلف اقدام پژوهی در استان و کشور به عنوان داور حضور داشته اند. ایشان هم اکنون علاوه بر آموزگاری در پایه ششم، مدرس دانشگاه فرهنگیان، مدرس کارگاه های مختلف اقدام پژوهی، مدیریت کلاس و شیوه های آموزش دروس مختلف ابتدایی و مدرس کارگاه های ضمن خدمت آموزش و پرورش هستند و همچنین مقالات بسیاری در زمینه کلاسداری و موضوعات مرتبط با تدریس تألیف کرده اند. ایشان علاقه بسیار زیادی به خدمت در مدارس محروم دارند و معتقد هستند که معلمین خوب باید در مناطق کم برخوردار جامعه حاضر شوند نه در مدارس سطح بالای جامعه.

در حال حاضر در کدام مدرسه مشغول خدمت هستید؟

هم اکنون در دبستان حسین آباد سادات در پنج کیلومتری شهرستان بیرجند برای سومین سال، مشغول به خدمت هستم که در اولین سال پایه ششم، در سال دوم پایه اول و در سال سوم مجدد پایه ششم را بر عهده گرفتم و تا جایی که می توانم در خدمت دانش آموزان این روستا خواهم بود.

چرا معلمی را انتخاب کردید؟ آیا علاقه قلبی به این شغل داشتید؟

بنده در زمان تحصیل در دوره دبیرستان، کنکور تجربی را که آزمون دادم و رتبه به نسبت خوبی سوای این که نه کلاس کنکوری رفته بودم و نه این که درباره این رشته تجربیاتی داشتم، کسب کردم. درواقع در خانواده ای هم بزرگ شده ام که متأسفانه پدر و مادرم از سواد بالایی برخوردار نبودند که ما را در این زمینه هدایت یا راهنمایی کنند. اما شکر خدا رتبه

به نسبت خوبی کسب کردم و با وجود اینکه با آن رتبه قادر بودم که در دانشگاه های بزرگی همچون فردوسی مشهد و دانشگاه زاهدان به تحصیل رشته هایی همچون پرستاری بپردازم؛ اما به دلیل علاقه ای که به شغل معلمی و به خدمت و به اصلاح جامعه داشتم این شغل را انتخاب کردم. این نکته را هم عرض کنم که گاهی از بد حادثه و از این نامهربانی ها و نامردمی هایی که وجود داشته است و دارد، از این انتخاب پشیمانی هم پیش می آمد ولی درنهایت که انسان با خود فکر میکند، باز از کرده خود راضی است؛ چرا که اگر چه شغل معلمی دارای دشواری هایی است و از نظر مالی دارای تنگناست، اما از منظر روحیه [و از لحاظ معنوی]، حال خوبی برای معلمین وجود دارد که با دیگر مشاغل غیر قابل مقایسه است و بنده را از انتخاب این شغل نسبت به عملکرد خودم راضی می کند.

زندگی معلمان را چگونه توصیف میکنید؟

زندگی معلمی یک زندگی پر از فراز و نشیب و پر از دغدغه هست. واژه معلم با واژه دغدغه‌مند بودن و نگران جامعه بودن پیوند خورده است. زندگی معلمان را می‌توانیم به شمع تشبیه کنیم که در حال سوختن است. تا شاید بتواند مسیر را برای دیگرانی که در این مسیر هستند روشن کند. زندگی معلمی زندگی سختی است به شرطی که معلم باشیم. البته همه مشاغل و مسئولیت‌ها سختی خودشان را دارند ولی اگر ما بخواهیم در این شغل کار خود را به طور کامل و شایسته و در شان مقام معلمی انجام دهیم، کار بسیار سختی است. ولی اگر فقط می‌خواهیم برچسب معلم را همراه خود داشته باشیم طبیعتاً کار بسیار ساده‌ای است و قرار نیست کار زیادی هم انجام دهیم و دیگران هم طبیعتاً از ما ناراضی خواهند بود. اما خود زندگی معلمی زندگی سراسر دارای فراز و نشیب است؛ یعنی هر سال با دانش‌آموزان متفاوت، با فرهنگ‌های متفاوت و روحیات متفاوت از نظر اقتصادی، فرهنگی و آموزشی درگیر هستیم و هر کدام از این دانش‌آموزان با دنیایی از مسائل و بعضاً مشکلات خانوادگی درگیر هستند که من معلم

نیز به‌ناچار درگیر آن‌ها می‌شوم و این‌ها تاثیری بر روی زندگی شخصی معلم می‌گذارند، آن دغدغه‌ای که از یک دانش‌آموز هست و باقی دغدغه‌ها، همه روی زندگی معلم تاثیر می‌گذارد. به نظر من می‌توان گفت معلمی تنها شغلی است که فرد در ۲۴ ساعت شبانه روز درگیر آن است؛ برخی از معلمان در خواب هم به فکر دانش‌آموزان خود هستند؛ در ساعات مختلف شبانه روز به فکر چگونه طرح درس نوشتن، به فکر جمع‌آوری کمک برای مدرسه، به فکر رفع

مسائل دانش‌آموز و خیلی از فکر و خیال‌های دیگر که یک معلم در طول روز درگیر آنهاست. اینها از سختی‌ها زندگی یک معلم است.

به نظر شما چه چیزهایی موجب میشود منزلت مقام معلم حفظ نشود و آن را خدشه دار میکند؟ شما معمولاً برای اینکه منزلت مقام معلم حفظ شود چه کارهایی را انجام می‌دهید یا از انجام چه اموری دوری میکنید؟

به‌نظر من بیشترین تاثیر روی کاهش منزلت معلم را متأسفانه خود معلم‌ها دارند و من این را بسیار شنیده‌ام و دیده‌ام که معلم‌هایی چندین شغل دارند، معلمینی که بارها میان بعضی از کسبه می‌شنوم که می‌گویند فلانی معلم هست و سیر نمی‌شود و این‌جا هم آمده است و کار میکند و کسب و کار ما را هم به هم زده است. رفتار من معلم و گفتار من معلم بیشترین تاثیر را بر روی مقبولیت اجتماعی من یا عدم مقبولیت اجتماعی من دارد. اینکه من معلم در هر محلی که رفت و آمد می‌کنم، چه ناوایی و چه مکان‌های مختلف عمومی، در ارتباطات اجتماعی متفاوتی که با مردم دارم، از شغل خودم و از نیازمندی‌های خودم چگونه صحبت کنم بسیار تاثیر دارد. اینکه هر جا که بروم بگویم من معلم هستم؛ کمتر حساب بکنید

و این مسائل، این‌ها بیشترین ضربات را به معلم و منزلت معلم می‌زند. البته که مسئولین دولتی هم در جاهایی نامهربانی‌هایی نسبت به معلمان دارند؛ اما در نهایت این خود ما معلمان هستیم که با رفتاری که در جامعه داریم، با پوششی که در جامعه با آن حاضر می‌شویم، از طریق ارتباطی با افراد مختلف می‌گیریم و یا از راه‌هایی که به کسب درآمد می‌پردازیم، تعیین کننده منزلت من معلم در جامعه است. به عنوان مثال هنگامی که من با افرادی که به تازگی با آنها آشنا شده‌ام، بعد از چند مرتبه ارتباط گرفتن با آنها، از من این سوال را پرسیده‌اند که آیا من معلم هستم؟ پس این رفتار و کردار و نحوه حضور ما در جامعه است که تعیین کننده جایگاه ما در جامعه هست و مشخص می‌کند که دید عموم جامعه به این شغل چگونه باشد.

نظر شما در رابطه با مدارس غیر انتفاعی چیست؟ آیا پیش آمده است که برای تدریس به سمت این مدارس بروید؟

درمورد مدارس غیرانتفاعی من خیلی با شیوه‌هایی که در کشور ما این مدارس مدیریت می‌شوند، موافق نیستم. مدارس غیرانتفاعی همانطور که از نامشان پیداست، یعنی مدرسی که به دنبال سود و نفعی نیستند اما در کشور ما متأسفانه باید آنها را مدارس انتفاعی نامید؛ چراکه به دنبال نفع و سود خودشان هستند. البته گاهی اوقات شاید بشود به آنها حق هم داد و این‌هم برمی‌گردد به مشکلاتی که در سیستم مدیریتی در کشور ما وجود دارد. اما در هر صورت فعلاً این مدارس هم مورد نیاز جامعه است؛ یعنی

خیلی از والدین و خیلی از دانش‌آموزان نیاز دارند در مدارس متفاوت درس بخوانند به‌خاطر این‌که وضعیت مالی بهتری دارند. به‌خاطر این‌که احساس می‌کند فرزندانشان در محیط غنی‌تری باید درس بخوانند هرچند که من تفاوت زیادی بین مدارس غیرانتفاعی و مدارس دولتی ندیده‌ام؛ شاید بتوان گفت بهترین شیوه مدیریتی در مدارس هیئت امنایی است که مدیریت از مدیر مدرسه که حکم مدیریت دارد و ابلاغ مدیریت دارد شروع می‌شود و تا والدین ادامه پیدا می‌کند و والدین هم حق و رای مدیریتی دارند و این مدارس به خوبی اداره می‌شوند. به طور کلی شیوه مدیریت مدارس غیرانتفاعی کشور ما مناسب نیست. پول‌هایی که می‌گیرند، معمولاً مسیر مشخصی ندارد که کجا هزینه می‌شود و خیلی از معلمان این مدارس، افراد متفاوتی از سطح جامعه هستند که با هر مدرک تحصیلی استخدام میشوند. این مدارس قادر به استفاده از معلمان شاغل در آموزش و پرورش نیستند و به‌جز مدیریت و معاونین، دیگرانی که در این مدارس مشغول به تدریس هستند از شاغلین و نیروهای رسمی آموزش و پرورش نیستند. همچنین این‌که ما یک فضایی را ایجاد کنیم که راه‌های مختلف سودجویی برای برخی

معلمان توانمند باید مناطق کم‌برخوردار را برای تدریس خود انتخاب کنند

از افراد باز شود، شایسته نظام آموزشی ما نیست. حال آنکه بسیار مشاهده می شود که این مدارس از دستور العمل ها و بخشنامه ها پیروی نمی کنند. به عنوان مثال ارزشیابی توصیفی را از دوره ابتدایی حذف کرده و به جای آن از نمره برای ارزشیابی دانش آموزان استفاده می کنند؛ از همان کلاس دوم دبستان من دیده ام که تستی و برای کنکور دارند کار میکنند که این خودش دارای خطرات و آسیب های زیادی برای دانش آموزان است.

درمورد قسمت دوم سوال اگر بحث مدارس غیر انتفاعی هست که خیر؛ چراکه همانطور که عرض کردم به این مدارس نیروی رسمی آموزش و پرورش جز برای پست های مدیریتی و معاونت ها تعلق نمی گیرد. اما در مدارس خاص نظیر مدارس شاهد و فرهنگیان و سایرین به بنده پیشنهاد زیاد شده اما بنده علاقه خاصی به تدریس در این مدارس ندارم و همیشه حرف بنده این بوده است که معلمینی که فکر میکنند معلم خوبی هستند (که البته من جز این معلمین خوب نیستم) باید در جایی خدمت بکنند که دانش آموزان سطح مالی، فرهنگی و اجتماعی نامناسبی دارند؛ هنر من معلم

این نیست که اگر معلم خوبی

هستم، بروم در مدرسی کار

بکنم که دانش آموزان آن از

لحاظ مالی و فرهنگی وضعیت

مناسبی دارند، چراکه آنها اصلاً

نیازی به معلمین خوب ندارند و یک

معلم در سطح عادی هم می تواند کار

آنها را پیش ببرند؛ به نظر من معلمین

خیلی خوب باید بروند به مناطقی که

دانش آموزان نیازمند وجود دارد تا بتوانند

آنها را هم به سطح دانش آموزان سطح بالای جامعه برسانند.

در کلاس درس خود معمولاً از چه روش تدریسی استفاده میکنید؟

امروز به جهت بیماری کرونایی که وجود دارد، متأسفانه شاید امکان آن نباشد که از روش های خلاقانه استفاده کرد. اما در حالت عادی که کلاس ها حضوری باشند، بنده همیشه از نیروی دانش آموزان استفاده می کنم و به یادگیری مشارکتی اعتقاد دارم و به عنوان مثال در درس علوم تجربی و بخش آزمایش، بنده سعی می کنم که فقط و فقط به عنوان یک راهنما و ناظر در آزمایش شرکت کنم و کار اصلی را خود دانش آموزان انجام دهند و گاهی به اصلاح نتایج اشتباهی که آنها می گیرند بپردازم. متأسفانه برخی از معلمان دانش آموزان را منفعل بار می آورند و خیلی سریع بدون این که دانش آموزان تلاشی بکنند پاسخ ها و نکات مهم درس را می گویند، یا به سرعت سوالات یک درس را در اختیار آنها قرار می دهند؛ ما باید به دانش آموزان نکته یابی و نکته سنجی را بیاموزیم و این که بتوانند به تنهایی از درس برای خودشان سوال طرح کنند. چرا که اگر دانش آموزی نتواند سوال مناسبی از متن درس طراحی کند، نخواهد توانست جواب مناسبی نیز به سوالات بدهد.

باتوجه به اینکه چندین سال آموزگار کلاس های چندپایه بوده اید چه توصیه ای برای بهتر اداره شدن کلاس ها به نومعلمان دارید؟

کلاس های چند پایه ویژگی های خاص خودش را دارند و توانایی بالایی برای تدریس در این کلاس ها و اداره این نوع کلاس لازم است. یکی از مهم ترین پیش نیاز های آموزش کلاس های چند پایه، اشراف بر محتوای درسی هر پایه است. معلم های کلاس های این چنینی باید پیش از شروع سال تحصیلی فهرست تمام مطالب کتاب های درسی این پایه ها را مطالعه کند تا در ذهن خود ذهنیتی از مطالبی که میخواهد آنها را آموزش بدهد وجود داشته باشد. طرح درس روزانه واقعاً لازم است. متوجه به ویژگی های مختلف دانش آموزان بسیار لازم است. البته من معلم هم باید خلاقیت داشته باشم و از شیوه های تدریس چند پایه استفاده بکنم و از شیوه های ترکیبی و تلفیقی استفاده بکنم؛ حتی می توان از توانایی دانش آموزان مستعد برای کنترل و آموزش و تمرین و همچنین مشاهده نتایج دانش آموزان ضعیف تر استفاده کنیم. به عنوان مثال من معلم می توانم از دانش آموز باهوش و برتری که در اصطلاح به این دسته،

دانش آموز خلیفه گفته می شود، استفاده

کنم تا در امر آموزش کیفیت و سرعت

تدریس را افزایش بدهم؛ زمانی که

فرصت کم هست و امکان این که بنده

شخصاً به دانش آموزان پایه ششم

املاً بگویم، میتوان از دانش آموز با

توانایی بالای پایه پنجم که از توانایی

بالایی در قرائت و خواندن برخوردار

هستند، برای املاً گفتن استفاده

بکنم. با این روش های ترکیبی و تلفیقی

می توان کلاس های چند پایه ای را به خوبی مدیریت کرد

و بهترین عملکرد را از خود نشان داد.

معمولاً دانش آموزان پسر از انرژی بالای برخوردار هستند و ممکن

است به سبب این ویژگی فطریشان گاهی از کلاس طرد شوند و یا

جریان تدریس را با مشکل مواجهه کنند. شما برای مدیریت کلاس

خود و تخلیه صحیح انرژی این دانش آموزان چه اقداماتی را انجام

میدهید؟

فکر نمی کنم که دانش آموزان پسر در کلاس هایی که معلم ابتدایی مرد باشد،

خیلی فرصتی برای عرض اندام پیدا کنند؛ مخصوصاً اگر معلم، یک معلم جدی

باشد؛ بحث ما معلم خشن یا تنبیه کننده نیست. معلمی که در فضای کلاس

خیلی جدی عمل می کند، خیلی جدی تکلیف می خواهد، خیلی جدی کار

می کند، خیلی جدی آموزش می دهد و کاملاً حرفه ای به اصطلاح عمل می

کند، معمولاً پسران در این کلاس ها خیلی فرصتی برای عرض اندام ندارند.

اما در کلاس هایی که خیلی کم هستند، به خصوص کلاس های همکاران

خانم، درواقع وجود این مشکل وجود دارد؛ گاهی اوقات پسر ها فرصت پیدا

می کنند که کلاس را به هم بزنند؛ البته در کلاس خیلی از آقایان هم اگر معلم

ضعیف عمل کند، برای دانش آموز پسر فرصتی ویژه ایجاد می شود که بتواند

مشکلات بسیار زیادی در شغل معلمی وجود دارد، همیشه با افتخار از معلمی خودم صحبت می‌کنم؛ همیشه به این نکته اشاره می‌کنم که آنها برای این شغل از سوی خداوند تبارک و تعالی انتخاب شده‌اند و بایستی به این شغل مفتخر باشند.

به نظر شما چرا حاج آقای قرائتی مهمترین کار و با ارزش ترین شغل را کار در دانشگاه فرهنگیان معرفی کرده‌اند؟

دلیلش این است که شما ببینید، همان حرکت موجی که در سخنان یک استاد عزیز وجود داشت؛ دقیقاً به‌خاطر این هست. ما وقتی که قرار هست که یک مربی تیم را تربیت کنیم با وقتی که قرار هست یک عضو تیم را تربیت کنیم، خیلی کار ما متفاوت است. معلم در کلاس درس یک عضو تیم را تربیت می‌کند اما در دانشگاه فرهنگیان دارند مربی یک تیم را تربیت می‌کنند. خب این مربی چقدر تاثیر بیشتری در جامعه دارد. وقتی والدین ما انسان‌های کاملی نباشند، انسان‌های تربیت‌شده و انسان‌های مقبولى نباشند، طبیعتاً نمی‌توانند فرزندان خوبی تربیت کنند. وقتی معلم و معلمینی باشند که از نظر علمی، از نظر تربیتی، از نظر انسانی، از نظر روانی و از نظر شخصیتی به جایگاه خوب و اصطلاحاً به اصل بی‌نیازی نرسیده باشند، طبیعتاً نمی‌توانند دانش‌آموزان خوبی را تربیت کنند. اگر قرار است جامعه سالمی داشته‌باشیم جامعه‌ای که دقیقاً شبیه یک‌چرخه هست، یعنی هر کاری که من می‌کنم، تاثیر کار من در کوتاه‌مدت یا در درازمدت به خودم بازمی‌گردد، پس باید نیروهای اصلی که کار آموزش در سنین کودکی را دارند دنبال می‌کنند به خوبی آموزش بدهیم و آموزگاران بسیار خوب تربیت کنیم که این‌ها اگر انسان‌های توانمند و انسان‌هایی قابل باشند، مقابل دانش آموز بتوانند خودشان را بی‌نیاز به مسائل دنیوی و این‌طور کارها نشان بدهند، طبیعتاً می‌توانند تاثیر خیلی خوبی بر دانش‌آموزان بگذارند و آینده این کودکان را از حیث معنوی تضمین کنند. پس همانطور که عرض کردم این دانشگاه فرهنگیان است که به طور مستقیم در امر آموزش آینده سازان کشور نقش خطیری را ایفا می‌کند.

و به عنوان سوال آخر اگر امکان این موضوع وجود داشت که به عقب برگردید چه کارهایی را حتماً انجام میدادید؟ (در خصوص معلمی) توصیه شما به دانشجو معلمان به عنوان معلمین آینده چیست؟

اگر به سال‌های ابتدایی خدمت خود بر می‌گشتم، حتماً مطالعه و برنامه ریزی را سرلوحه کار خودم قرار می‌دهم. یعنی برنامه‌ریزی و مطالعه را بیشتر از این چیزی که در دوره تحصیل در دانشگاه فرهنگیان انجام دادم، توجه میکردم. اگر برگردم، برنامه‌ریزی می‌کنم؛ هم برای کار یعنی کار معلمی خودم و هم برنامه‌ریزی برای مطالعه خودم. طبیعتاً من معلم خیلی نقص‌هایی را در زمینه‌های مختلف دارم. چه زمینه‌های شغلی خودم در بحث آموزش، چه در بحث کار های اداری و ایده‌ها و چه در شناخت مسائل تربیتی دانش آموزان سعی میکنم خود را از هر نظر تکمیل کنم. ای کاش این نکاتی را که بنده به آنها اشاره کردم، استادان بنده نیز به بنده گوشزد می‌کردند که در دوره های اوج کاری ام آنها را به کار می‌گرفتم. موفق و پیروز باشید.

نظم کلاس را بر هم بزنند. ما باید از رفتار درمانی استفاده بکنیم و انرژی این‌گونه بچه‌ها را در مسیر درست صرف کنیم. من معلم حتماً شب قبل تدریس، وقتی روش تدریس خودم را در طرح درس می‌نویسم باید دانش‌آموزان به‌اصطلاح بیش‌فعالی که خیلی فعال هستند را در نظر بگیرم. یعنی بگویم اگر قرار است که من از دانش‌آموزان خود در تدریس استفاده بکنم، این دانش‌آموزی که پر شر و شور هست، از او استفاده بکنم. اگر قرار است وسیله ای آزمایشگاهی استفاده شود و یا اگر قرار است میز جابجا شود، به طور کلی اگر لازم است کارهای این چنینی انجام شود، حتی تویی در سبدي انداخته شود، بهتر است از این دانش آموزان کمک بگیریم و استفاده کنیم. این سپردن وظیفه به دانش آموزان پر شور، این‌ها را خنثی می‌کند و ایشان را عاشق درس و همراه معلم می‌کند.

باتوجه به شیوع ویروس کرونا و برگزاری کلاس ها در شبکه شاد، شما جریان یاددهی و یادگیری را چگونه و بر اساس چه راهبردی دنبال میکنید تا یادگیر بهتری محقق شود؟

شاید مهم‌ترین راهبرد برای معلم، راهبرد پیگیری و تکلیف دهی است. وقتی که تدریس از راه دور باشد شاید بعضی از دانش آموزان خودشان تکلیف را انجام ندهند. پس معلم باید پیگیری بکند. یعنی اگر دانش‌آموز هم تکلیف را می‌فرستد، معلم از طریق ارزشیابی‌های متفاوت از دانش‌آموز متوجه شود که دانش آموز تکلیف را خودش نوشته یا کسی به جای او می‌نویسد. پس این تمرین دهی و تکلیف دهی و پیگیری و ارزشیابی پیاپی که اصل ارزشیابی توصیفی از همین جا نشئت می‌گیرد، در تدریس مجازی بسیار لازم است.

نظر شما در رابطه با رشد و توسعه حرفه ای ملین چیست؟ معمولاً از چه روش هایی برای توسعه حرفه ای خودتان استفاده میکنید؟ چه توصیه ای در این زمینه به دانشجو معلمین دارید؟

برای توسعه حرفه‌ای یک معلم بهترین شیوه، یادگیری مشاهده‌ای است. دیدن، شنیدن، بو کردن، لمس کردن و... یعنی این که من معلم رفتارهای معلم های دیگر را ببینم، خاطرات معلمین دیگر را، تجربیات دیگر معلمین را ببینم و بخوانم و بشنوم. یک سری برنامه‌های وزارتی داریم در همه مدارس اتفاق می افتد. کافی است من معلم در کلاس معلم دیگری حاضر شوم و از هر روش و رفتار و گفتار معلم یاد بگیرم. همیشه ابتدای کار این است که معلم فکر می‌کند وظیفه‌اش فقط یاد دادن است. اگر ما فکر کنیم که خودمان یک یادگیرنده‌ی مادام‌العمر هستیم طبیعتاً می‌توانیم هم خوب همیشه یاد بگیریم و همیشه در حال یادگیری باشیم هم می‌توانیم خوب به بچه‌ها آموزش بدهیم.

باتوجه به اینکه هم آموزگار هستید و هم در دانشگاه فرهنگیان تدریس میکنید، سعی میکنید بیشتر چه مفاهیمی را حین تدریس به دانشجو خودتان منتقل کنید؟

در دانشگاه فرهنگیان و در جمع دانشجو معلمان، بیشترین انتقالی های من به ایشان تجارب خاص من است. تجارب ویژه‌ای که من دارم و کسب کرده ام. رفتارهای خاص، ویژگی‌های خاص دانش‌آموزان، خاطرات خاص بعضی از همکاران و اصل ماجرا به‌نظر من این هست که من به‌عنوان یک آموزگار ابتدایی باید اول به دانشجو معلمان محترم این را منتقل بکنم که شماها بسیار انسان‌های ارزشمندی هستید و قرار هست که با معلمی به انسان ارزشمندتری هم تبدیل شوید و من همیشه افتخار می‌کنم و همیشه با این که می‌گویم که

معلم

سید حسین طالبی

روزگار عجیبی است نازنین!!! خداوند بیامرزد احمد شاملو را چه زیبا می گوید، اما حالا سوال پیش می آید چرا روزگار عجیبی است؟؟ اگر در رشته تخصصی خودم بخواهم اظهار نظر کنم می گویم: جامعه ما ممکن است شرایط مطلوبی را نداشته باشد و با مشکلات اجتماعی زیادی گریبان گیر باشد و تصمیم گرفتم اجتماع و حرفه خود را کمی به هم ربط بدهم و مطالبی را بیان کنم. چشمتان روز بد نبیند چند پیش به نزد دکتر رفتم (باز گیر ندهید که زبان فارسی را پاس نداشتی) پیش طبیبی رفتم (ای بابا باز که پاس نداشتم) پیش معالاجی ... آقا اصلا هر چه شما می گوئید، ایشون که آهان....پزشک منظورم بود،رفتم و ایشون دانشگاه و رشته بنده رو پرسید،من هم گفتم که دانشجو معلم هستم،بعد اشون افاضه فضل را شروع کردند:معلمی!!!! چرا نیامدی دکتر بشی!!!! می دونی چقدر پزشکان در جامعه جایگاه رفیع مرتفعفلان دارند؟؟؟ حرف های دکتر عزیز من را خیلی به فکر واداشت، ما معلم ها چه جایگاهی در اجتماع داریم؟ بحث خودم را با یک قضیه شروع می کنم در کشور آلمان،

در این کشور در پزشکان به دولت اعتراض کردند که چرا دست مزد معلمان از پزشکان بیشتر است،خانم مرکل (آنجلا خانم) عرض کردند که چطور شما انتظار دارید که کسانی که شما را پزشک کردند حقوقشان از شما کم تر باشد. از نظر حقیر پول صرفا جایگاه اجتماعی افراد را تعیین نمی کند و این مورد را به عنوان مثال مطرح کردم و در مثل مناقشه نیست، پیامبر گرامی اسلام می

فرماید: خیر الناس افعهم لعباده. در دیدگاه

اسلام هر کس برای جامعه خود

مفید باشد و به مردم سود برساند

مورد احترام است.حالا بیاییم کمی

از معلم و جامعه بگوییم رسالت معلم

تعلیم و تربیت است، یعنی تلاش برای

هدایت،تکامل و تعلیم و آموزش انسان،

در طبقات مختلف اجتماعی،معلمی یک

طبقه اجتماعی اختصاصی و خاص

است قرآن کریم برای

معلمان جایگاه رفیعی

قائل شده است:

(اقرأ باسم ربك الذی

خلق خلق الانسان



و اجتهاد

من علق اقرء و ربك الاكرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم) در این سوره، صفت ((تعلیم)) برای خداوند متعال آمده است؛ یعنی همان کاری که معلمان بدان مشغولند. اهمیت هر کاری را باید با نقش و ارزش آن سنجید، اهمیت کار معلم هدایت بشر است، یک انسان که هدایت شود انگار همه انسان ها هدایت شده اند، امام صادق(ع) می فرمایند: منظور از زنده کردن یک فرد، هدایت و پرورش اوست، اگر کسی جوانی را به راه درست، هدایت کند و وظیفه انسان سازی را بر عهده بگیرد، مثل این است که همه دنیا را زنده کرده است. پس منظور از زنده کردن، پرورش و هدایت کردن است در واقع با قشری مواجه هستیم که افکار عمومی جامعه مثل یک خمیر در دست آن هاست، کانت می گوید بشر تنها با تعلیم تربیت، آدم شده است و هیچ چیز جز تعلیم و تربیت بشر را آدم نمی کند. ارسطو مانند استاد خود افلاطون، آموزش و پرورش را از وظایف زمامداران جامعه (دولت) می داند و تربیت افراد جامعه را یکی از شرایط کشورداری می شمارد عالمان دینی نیز وجهی همت خویش را در تعلیم و تربیت انسان قرار دادند. آنان به پیروی از ادیان آسمانی و پیامبران الهی، به این دلیل که دین ضمانت اجرایی بیشتری نسبت به روشهای دنیوی دارد، بیش از فیلسوفان و دیگر اندیشمندان در راه تعلیم و تربیت و تطهیر و تزکیه انسان کوشیده اند؛ زیرا یقین و باور دارند که خداوند نتیجه و ثمره تلاش و کوشش آنها را در این راه، در قیامت خواهد داد. اما در دنیایی که ثروت ارزش اجتماعی شمرده شود و پول حرف اول را بزند ممکن است انتخاب اول انسان های مستعد معلمی نباشد چون معلمی شغلی است با درآمد اندک اگرچه بسیاری از جوامع در ارتقا معیشت معلم کوشیده اند ولی پول اندیشی و این دیدگاه ها که هر کس پول بیشتر دارد بالاتر است مثل یک غدهی سرطانی خطرناک بشریت را تهدید و جایگاه معلمین فداکار را در جامعه متزلزل می کند.



زندگی به سبک شهیدا



محل تولد: آسیابان (قهستان)
تاریخ شهادت: ۶ اسفند ۱۳۶۴
محل شهادت: مریوان (والفجر)

مهران طالبی

محمد عاشق شغل معلمی بود!

شهید محمد طالبی در تاریخ ۱۳۴۰/۲/۱۰ در روستای آسیابان، در خانواده‌ای متدین و پرتلاش متولد شد. خانواده وی به امر کشاورزی و قالیبافی مشغول بودند و او در سن پنج‌سالگی با توجه به علاقه زیادی که به درس خواندن، به‌ویژه فراگیری قرآن کریم داشت به مکتب رفت و به خواندن قرآن پرداخت. از طرفی هم با اینکه سنش قانونی نبود به صورت غیر رسمی در کلاس اول دبستان حاضر شد و در پایان سال در امتحانات شرکت کرد و قبول شد. هوش و استعداد فوق العاده او زبانزد معلمین مدرسه و مکتب‌خانه بود در همان دوران کودکی علاوه بر فراگیری درس و قرآن در کار قالیبافی و کشاورزی به خانواده کمک می‌کرد و در مدارس به عنوان بااخلاق‌ترین دانش‌آموز شناخته می‌شد. در مسابقات قرآن اکثراً رتبه کسب می‌کرد و اوقات فراغت را با رفتن به مسجد و حضور در نماز جماعت و شرکت در ورزش صبحگاهی و ورزش سنتی زورخانه سپری می‌کرد. وقتی سخن می‌گفت بشاش و گشاده‌رو ولی جدی و با ابهت بود به طوری که سخن از عمق وجودش خیزش می‌کرد و بر دل می‌نشست. در سال ۱۳۶۰ به خدمت سربازی در ارتش جمهوری اسلامی اعزام شد و در منطقه آبادان (خرمشهر) دوسال را همزمان با دفاع مقدس سپری نمود. وی مدتی به عنوان راننده خط واحد در شهرداری مشغول به کار بود که برخوردش با مردم نمونه بود و سپس به عنوان کارمند اداره برق مشغول به کار شد و علاوه بر سنگر خدمتگزاری در اداره از اولین افرادی بود که در راه اندازی پایگاه مقاومت بسیج در شمال شهر همت داشت و با آموزش جوانان و اهالی محل زمینه آگاهی و آمادگی آنها را برای دفاع از اسلام و انقلاب

فراهم می‌نمود. در یک کلام باید گفت که زندگی محمد یک الگو و سرمشق بود. لذا برخورداری از این همه نعمت و حسنات موجب شده بود تا لحظه لحظه او به مرز شهادت نزدیک‌تر و پس از گذراندن ۲۴ بهار زندگی و عمر پر برکت نهایتاً با کوله‌باری مملو از ایثار و گذشت و وفاداری در مسیر حق و حقیقت به فوز عظمای شهادت نائل و به لقاء الهی واصل گردد. در مسیر مبارزات: شهید محمد طالبی در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در مراسم راهپیمایی و پخش اعلامیه‌ها و اطلاع‌رسانی

به مردم فعال بود. او در منزل با باتری‌های شیشه‌ای بمب دستی درست می‌کرد و از آنها در راه مبارزه بر علیه عوامل رژیم پهلوی استفاده می‌نمود و پس از پیروزی انقلاب با تحولی وصف‌ناپذیر در سنگر مسجد محل به فعالیت پرداخت و در شورای پایگاه مقاومت بسیج شهید مصطفی خمینی مسجد امام رضا(ع) عضویت فعال داشت که با برگزاری جلسات دعا و مراسم عزاداری و تقویت مسائل فرهنگی و تشکیل کلاسهای آموزش دفاعی و عقیدتی و دوره‌های قرآن، زمینه آگاهی اقشار مختلف محل را فراهم می‌نمود و خود به مداحی و سخنرانی در جلسات می‌پرداخت که زمینه اعزام به جبهه جوانان را فراهم می‌کرد. پدر شهید می‌گفت: محمد در دوران کودکی و نوجوانی علاقه خاصی به سه نفر از هم‌بازی‌ها و دوستان خود داشت، از جمله محمدرضا فطرتی و محمدرسلول حسن‌زاده از آسیابان و قاسمی از بیرجند که هر سه آنها به شهادت رسیدند و این رازی بود که بعداً برایم فاش شد که چرا این‌قدر به آنها علاقه‌مند است.

نحوه شهادت: شهید محمد طالبی در تاریخ ۶۴/۱۲/۶ در عملیات والفجر ۹ در منطقه مریوان و در حال پیشروی به سمت منطقه سلیمانیة عراق بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن از ناحیه پا و ناحیه شکم مجروح و پس از لحظاتی به درجه رفیع شهادت نائل آمد. پیکر پاک او پس از تشییع بر دوش مردم همیشه در صحنه بیرجند با شکوه خاصی تشییع و در گلزار شهدای قطعه یک بیرجند به خاک سپرده شد. پیام برگرفته از بیانات خانواده شهید: شهادت فرزندان موجب افتخار و عزت ماست چون امانتی بود که خداوند به ما داده و پس گرفت و مفتخریم که چنین فرزندی را تربیت کردیم. محمد عاشق شغل معلمی بود و اگرچه به ظاهر به این شغل نرسید ولی به حق او معلم و الگوی همه ما شد و صدای حق طلبانه او و همه شهدا به عنوان معلمین واقعی در جامعه طنین‌انداز است.

معلم نیوز



«گزیده‌ای از اخبار آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان»

جزییات جذب معلمان از طریق دانشگاه فرهنگیان

رضا کچوئیان معاون نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاه فرهنگیان، درباره نحوه پذیرش دانشجو معلمان این دانشگاه گفت: پذیرش معلمان در دانشگاه فرهنگیان در حال حاضر به دو صورت انجام می‌شود. مرحله نخست از طریق کنکور است. گروه دوم کسانی هستند که ما به آن‌ها مهارت آموزان ماده ۲۸ می‌گوییم که از طریق آزمون استخدامی جذب می‌شوند. وی درباره ادامه تحصیل معلمان در مقطع کارشناسی ارشد، گفت:

آن دسته از افرادی که دانشجویان خود ما هستند می‌توانند با دو تا سه سال تدریس در مدارس، برای دوره‌های کارشناسی ارشد در رشته‌های مورد نظر اقدام کنند. دانشجویان کارشناسی ارشد ما به شرطی پذیرفته می‌شوند که مقطع لیسانس را در همین دانشگاه گذرانده باشند. ما برای مقطع فوق لیسانس از سایر دانشگاه‌ها دانشجو نمی‌پذیریم.



اقبال رتبه‌های برتر کنکور از دانشگاه فرهنگیان

معاون نظارت ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاه فرهنگیان: در گذشته افرادی که هیچ کجا شغلی پیدا نمی‌کردند وارد آموزش و پرورش می‌شدند اما اکنون در شرایط جدید رتبه‌های قابل توجهی از کنکور سراسری وارد دانشگاه‌های تربیت معلم می‌شوند. در سال ۹۹، رتبه‌ی ۲ کنکور سراسری در سطح منطقه‌ای، دانشگاه فرهنگیان را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد. تعداد قابل توجهی از رتبه‌های برتر کنکور سراسری امسال هم اقبال خوبی برای حضور در دانشگاه فرهنگیان نشان دادند و اکنون نیز در دانشگاه فرهنگیان مشغول به تحصیل هستند.



اتمام برگزاری دوره‌های مهارت آموزی یکساله دانشگاه رجایی تا ۳ سال آینده

رئیس دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی: از سال ۹۱ به بعد ظرفیت پذیرش در این دانشگاه ۵ برابر شده است تا به خلاءهای تامین نیروی انسانی در آموزش و پرورش پاسخ دهد. همچنین براساس برآوردهای انجام شده تا سال ۱۴۰۳ دوره‌های مهارت آموزی یکساله به اتمام می‌رسد و نیازی به برگزاری آن از این تاریخ به بعد نخواهیم داشت



آموزش و پرورش آمادگی مدیریت «سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» را دارد؟

محمی الدین محمدیان، رئیس مرکز مطالعات فقهی تعلیم و تربیت: سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک در آموزش و پرورش بر پرورش کودکان با عنوان خوبی شکل گرفته است، اما باید دید که مبانی فکری آن چیست و آیا برگرفته از سند تحول بنیادین است یا از منابع دیگری این مجموعه نشأت می‌گیرد. در الزامی کردن دوره‌های مهد کودک و پیش دبستان باید توجه داشت که این دوره‌ها باعث جدا کردن کودکان از خانواده نشود و ارتباط خانوادگی کودکان را کم نکند.



هیچگاه مطالبات صنفی خود را از رسانه‌ها پیگیری نکنید!

الهی‌ترکمن خطاب به دانشجوی معلمان: رسانه غیر از منتشر کردن و مطالبه از مسئول کار چندانی در جهت رفع مطالبات نمیتواند انجام دهد و پیگیری مطالبات صنفی از طریق رسانه موجب میشود در جامعه تنها صحبتی که از معلمان شود و به گوش برسد بحث حقوق و مزایای معلمان باشد که این با منزلت جایگاه معلم در تناقض است و آنرا خدشه دار میکند.



جسارت اعزام "سرباز معلم" به شهرها را نداریم!

مدیرکل دفتر آموزش عشایر وزارت آموزش و پرورش: آیا می‌توانیم سرباز معلم را به شمال شهر تهران اعزام کنیم یا به مدارس غیردولتی، سرباز معلم بدهیم؟ این کار را انجام نمی‌دهیم چون هزاران نفر اعتراض می‌کنند اما مدارس عشایری کسی را ندارند تا اعتراض کند، این کار ما خلاف است! چون محرومیت دانش‌آموزان عشایر را بیشتر می‌کنیم و نمی‌توانند یادگیری کامل و دقیق داشته باشند، محرومیت و کمبودهای یادگیری دانش‌آموزان عشایری را باید از طریق معلمان توانمند جبران کنیم نه اعزام سرباز معلمی که هیچ آموزشی ندیده است.



نباید برای معلمان خرید خدماتی تعهد استخدام ایجاد شود. اقدام مجلس در تاریخ بی سابقه بود

علی الهیار ترکمن؛ معاون برنامه ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش: و مجلس کاری کرد که در کل تاریخ مشروطه ما بی سابقه بود؛ از ۸۸ تا ۹۹ قانونی تصویب کرد که ۱۱ بار آن را اصلاح کرد؛ قانونی که قرار بود ۶۰ هزار نفر وارد آموزش و پرورش کند، بالای ۲۴۰ هزار نفر وارد آموزش و پرورش کرد!



نتایج آزمون استخدامی آموزش و پرورش اواخر فروردین اعلام می‌شود

نادری عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی: بر اساس پیگیری‌های صورت گرفته، اعلام کردند که کلیه نتایج مصاحبه‌های افراد شرکت کننده به سازمان سنجش جهت جمع بندی نهایی و اعلام نتایج ارسال شده است. طبق اعلام سازمان سنجش به احتمال زیاد، در اواخر فروردین ماه نتایج به صورت عمومی منتشر خواهد شد.



رکورد پذیرش دانشگاه فرهنگیان در کنکور ۱۴۰۰ شکسته شده و به بالاترین حد خود می‌رسد

دکتر خنیفر رییس دانشگاه فرهنگیان درباره معلمانانی که در سال تحصیلی جدید به مدارس تزریق شدند، گفت: امسال نزدیک ۲۷ هزار معلم به سراسر کشور اعزام کردیم و بنا داریم تا سال آینده این آمار را به ۳۷ هزار نفر برسانیم.



مجلس لایحه رتبه بندی معلمان را در سال ۱۴۰۰ تصویب خواهد کرد

کریمی فیروزجایی، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی: در روزهای پایانی سال گذشته دولت لایحه رتبه بندی معلمان را به مجلس ارائه کرد که به دلیل تعطیلات نوروزی مجلس این لایحه پس از تعطیلات نوروزی بررسی می شود. در لایحه ای که دولت به مجلس ارائه کرده است درباره ارتقای شغلی معلمان براساس مهارت و صلاحیت های آن ها مطالبی عنوان شده است. از موارد دیگری که در این لایحه مطرح شده درباره تشکیل کمیته های ارزیابی معلمان برای اجرای بهینه طرح رتبه بندی است.

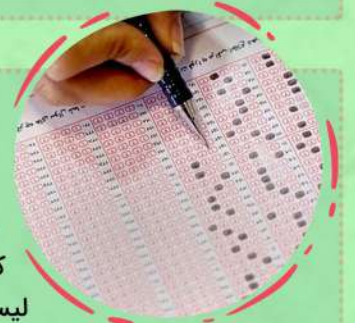


احتمال بازگشایی کامل دانشگاه ها از مهر

رئیس جمهور در اولین جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا در سال ۱۴۰۰: تلاش می کنیم با افزایش واکسیناسیون در ماه های آینده و همچنین ورود واکسن های بیشتر به کشور، مدارس و دانشگاه ها را پیش از مهر و در ماه های پایانی تابستان بازگشایی کنیم.

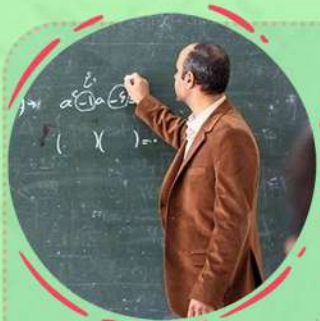
جزئیات تحصیل معلمان در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان

معاون نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاه فرهنگیان: آن دسته از افرادی که دانشجویان خود ما هستند می توانند با دو تا سه سال تدریس در مدارس، برای دوره های کارشناسی ارشد در رشته های مورد نظر اقدام کنند. دانشجویان کارشناسی ارشد ما به شرطی پذیرفته می شوند که مقطع لیسانس را در همین دانشگاه گذرانده باشند. ما برای مقطع فوق لیسانس از سایر دانشگاه ها دانشجو نمی پذیریم.



رایزنی برای احتساب سنوات معلمان غیر دولتی در آزمون استخدامی

مدیرکل مدارس و مراکز غیردولتی: در نظر داریم تا با دستگاه های ذیربط درباره احتساب سنوات معلمان مدارس غیردولتی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش رایزنی داشته باشیم البته هنوز در ابتدای راه هستیم و مسیر طولانی تا تحقق این برنامه وجود دارد. در این مورد با مجلس مذاکرات اولیه انجام شده است و نسبت به اجرای آن موافقت اولیه خود را اعلام کردیم اما باید ببینیم مراحل کار به چه صورت پیش خواهد رفت. با توجه به اینکه در شرایط کنونی آموزشیاران نهضت، مربیان پیش دبستانی و معلمان حق التدریس امکان استخدام و جذب در آموزش و پرورش را پیدا کردند سعی می کنیم که این ظرفیت را برای معلمان مدارس غیر دولتی هم در نظر بگیریم چراکه از حیث توانایی کمبودی نسبت به سایر گروه ها ندارند.



حقوق فروردین ماه دانشجو معلمان چگونه خواهد بود؟

حقوق این ماه با احکام قدیمی بوده و با حکم ۲/۸۰۰/۰۰۰ تومان و کسورات ۲۵ درصدی محاسبه می گردد و تا زمانی که حکم جدید که ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان هست صادر نشده حقوق بر اساس حکم ۲/۸۰۰/۰۰۰ تومانی خواهد بود. صادر شدن حکم جدید ممکنه ماه ها طول بکشد اما هر ماه که صادر شد از فروردین مابه تفاوتی که باید واریز میشد به حساب دانشجو معلمان واریز میشه از طرفی طبق تصویب مجلس در سال ۱۴۰۰ نباید از هیچ دانشجویی بالای ۲۰ درصد کسر شود



برگزاری امتحانات حضوری دانش آموزان با مجوز ستاد کرونا تعیین می شود

وزیر آموزش و پرورش: امسال بر اساس مجوز ستاد ملی کرونا، وضعیت حضوری و غیرحضوری بودن امتحانات تعیین می شود. وی افزود: ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است و باید مطمئن شویم عمل آموزش با کیفیت انجام شده است.



سوابق و پایه های پژوهشی باید در رتبه بندی معلمان در نظر گرفته شود

فلاحی، سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت و گو با باشگاه خبرنگاران جوان: در رتبه بندی باید سوابق و پایه های پژوهشی معلمان نیز در نظر گرفته شود که این موضوع در آموزش و پرورش تاکنون اجرایی نشده است، یکی از موضوعاتی که بر اساس سند تحول بنیادین باید اجرا شود بحث رتبه بندی معلمان است. بر اساس سند تحول بنیادین از آموزش و پرورش خواسته ایم که هرچه سریعتر بحث رتبه بندی را اجرا کند.



اداره مهدهای کودک از عهده بهزیستی خارج شد

مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور: بعد از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اداره مهد های کودک به طور کامل به وزارت آموزش و پرورش واگذار شد و این واگذاری قرار بود به مرور انجام شود. فهرست تمام مهد های کودک از سوی بهزیستی به وزارت آموزش و پرورش هم داده شده است. بهزیستی دیگر هیچ مجوز جدیدی برای راه اندازی مهد های کودک، صادر نمی کند و مسئولیت مهد ها دیگر عملاً بر عهده آموزش و پرورش است. برای سال ۱۴۰۰ هریک از افرادی که خواهان راه اندازی مهد های کودک هستند باید از آموزش و پرورش مجوز را دریافت کند.



پرداخت ۳۴۰ میلیون تومان وام به فرهنگیان

گودرز کریمی فر، مدیرکل رفاه و پشتیبانی آموزش و پرورش: در سال جدید سه وام که در مجموع ۳۴۰ میلیون تومان خواهد بود، به حساب فرهنگیان واریز می شود. فرهنگیان می توانند از دو وام ۲۰۰ میلیون تومانی کمک خرید مسکن و ۶۰ میلیون تومانی خرید کالا در سال جدید استفاده کنند. همچنین به فرهنگیان وام فوری تا سقف ۸۰ میلیون تومان پرداخت خواهد شد. این وام ها بدون سپرده و وثیقه ملکی به فرهنگیان پرداخت خواهد شد.



از دیدگاه صاحب نظران و تشکل ها درباره رتبه بندی استفاده می کنیم

علی کریمی فیروزجایی عضو هیأت رئیسه مجلس و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: از صاحب نظران حوزه آموزش و پرورش کشور و مخصوصاً تشکل های صنفی دعوت خواهیم کرد تا نظراتشان را درباره رتبه بندی به ما بگویند. وی با بیان اینکه معلمان دغدغه نداشته باشند و ما دغدغه های آنان را در این طرح خواهیم دید، گفت: امیدواریم بتوانیم آنچه هدف این طرح است یعنی پویایی و نشاط را در کلاس های درس بیش از پیش ایجاد کنیم. کریمی فیروزجایی تصریح کرد: موضوع رتبه بندی را در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس و در فراکسیون فرهنگیان مورد بررسی و تبادل نظر قرار می دهیم تا طرح پخته و قوی به صحن مجلس ببریم.



جمهوری با رنگ و بوی اسلامی

نظام سوسیالیستی، لیبرال و حتی جمهوری ایرانی توسط این رسانه‌ها تبلیغ می‌شد برخی جریانات ملی مذهبی هم با طرح ایده جمهوری دموکراتیک یا جمهوری دموکراتیک اسلامی به این قافله پیوسته بودند. اما در این میان امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب و مهم‌ترین شخصیت اثرگذار در اذهان عمومی، از یک نوع خاص نظام سیاسی سخن می‌گفت که متفاوت با نظرات همه این نحله های سیاسی و فکری بود. «جمهوری اسلامی» نوع نظام سیاسی بود که رهبر انقلاب برای ایران بعد از پهلوی‌ها و نظام شاهنشاهی در نظر داشت؛ ترکیبی که تقریباً در بین طرفداران امام هم چندان شناخته شده نبود و آنان سخن از حکومت اسلامی به میان می‌آوردند اما اسلام محتوا بود و باید ظرفی برای

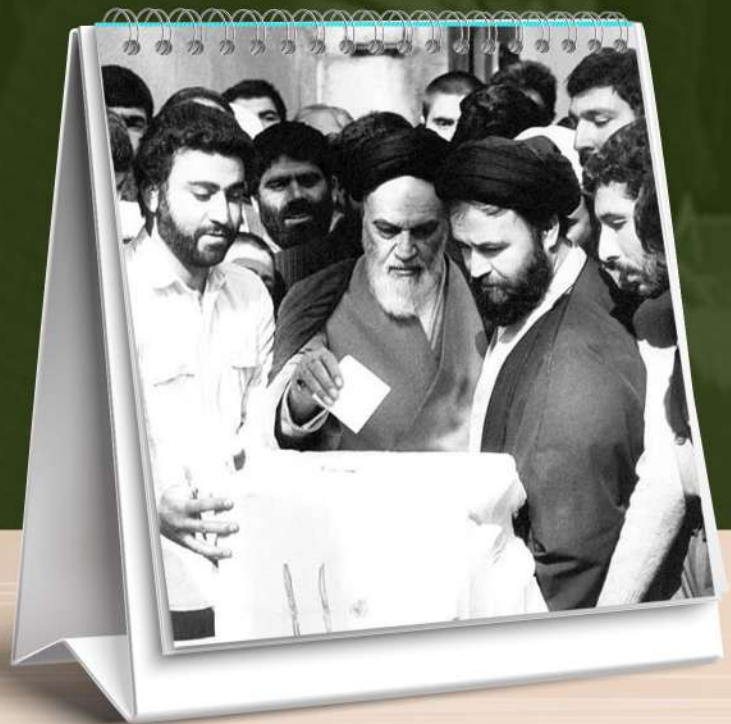
ترکیب جمهوری اسلامی را اولین بار امام خمینی (ره) ۲۲ مهر سال ۵۷ و در مصاحبه با مجله فیگارو مطرح ساخت. توجه به اقتضائات روز در اندیشه امام باعث ترکیب اسلام به عنوان محتوا با ظرفی به نام جمهوریت شد. پیروزی انقلاب اسلامی با گذشت چند ماه، باعث تولد نوع جدیدی از نظام سیاسی شد که در دنیا بی‌نظیر بود. جمهوری اسلامی با حمایت امام خمینی (ره) و رای مردم در فروردین سال ۵۸ رسماً تشکیل شد. با حمایت بیش از ۹۸ درصد مردم از نظام تازه تاسیس، روز ۱۲ فروردین به عنوان روز «جمهوری اسلامی» نامگذاری شد. امام خمینی (ره) نیز به عنوان رهبر انقلاب اسلامی روز ۱۲ فروردین را روز نخستین حکومت الله نامید. با پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مهم ترین پرسش‌هایی که در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور طرح می‌شد مسئله نوع نظام سیاسی بود که باید جایگزین رژیم شاهنشاهی گذشته شود. در این میان محافل مختلف سیاسی و رسانه‌های این جریانات، گمانه زنی‌های مختلفی را مطرح کرده و از انواع مختلفی از نظام‌های سیاسی نام می‌بردند.



این محتوا فراهم می‌شد. با تاکیدات امام مبنی بر اینکه هر چه زودتر باید رفراندوم تعیین نوع نظام سیاسی برگزار شود و مردم خود در این زمینه اظهار نظر کنند. ترکیب جمهوری اسلامی چگونه وارد حیات سیاسی ایران شد؟ ساختار نظام جمهوری اسلامی، نه در تاریخ اسلام سابقه داشته نه در دوران معاصر که بتوان این ترکیب را الگو برداری شده از نظام‌های سیاسی موجود یا مدفون در تاریخ دانست همانطور که انقلاب مشروطه این الگوی برداری را انجام داد. بنابراین این ترکیب را می‌توان بدیع دانست که به دست امام ابداع شد؛ ترکیبی که حاصل اندیشه امام خمینی(ره) مبنی بر لزوم حکومت اسلام و توجه به اقتضائات زمان و مکان در اندیشه امام است. شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به عنوان اصلی‌ترین

شعار در تظاهرات مطرح شد و شرکت کنندگان در راهپیمایی میلیونی روزهای تاسوعا و عاشورا یعنی ۱۹ و ۲۰ آذر ماه ۵۷ در سراسر کشور آرمان اصلی خود را استقرار جمهوری اسلامی اعلام کردند. جمهوری اسلامی نه راه دنبال کنندگان حکومت اسلامی بود نه درصدد پیروی از مسیر لیبرال‌های مذهبی و غیرمذهبی و مارکسیست‌ها زاده شد بلکه جمهوری اسلامی همانند فقه پویای امام که بر عنصر زمان و مکان در اجتهاد تاکید داشتند مبتنی بر باورها و اعتقادات مردم و توجه به عنصر زمان و مکان شکل گرفت.

علی طهماسبی



معلم خلاق

آموزش جمع و تفریق اعداد مخلوط (کسر ها) به روش خویشاوندی

آنجا که مفاهیم جمع و تفریق اعداد مخلوط (کسر ها) بچه های پایه پنجم بسیار دشوار است و در تمامی ارزش یابی های تشخیصی، یکی از مفاهیم پرحاشیه دانش آموزان می باشد. روش ابداعی خویشاوندی بعد از گذشت سالها تدریس و تجربه در کلاس درس بنده بسیار موثر واقع شده است و امیدوارم این روش خلاقانه، راهگشای شما دانشجومعلم عزیز باشد. این روش خلاقانه مخرج کسر ها به سه گروه تقسیم می کنیم:

۱. هم خانواده (پدر و پسر)

۲. خویشاوند نزدیک (دایی و خواهر زاده)

۳. غریبه (دو همسایه)

گروه اول: هم خانواده یعنی مخرج هر دو کسر باهم برابرند به عبارتی با مفاهیم پدر و پسر عنوان می شود. درین کسر ها مخرج مشترک پدر و ما و خانواده می باشد. (هم فامیل هستند)

$$\frac{3}{8} + \frac{2}{8} = \frac{5}{8}$$

پدر (انصاری) پسر (انصاری) مخرج مشترک پدر

گروه دوم: خویشاوند یعنی مخرج از دو کسر متفاوت تشکیل شده است.

اما عدد کوچکتر در دل عدد بزرگتر نهفته است (مضرب آن است)

به عبارتی با مفاهیم دایی و خواهرزاده عنوان می‌شود. (یعنی فامیل دایی و خواهرزاده مثل هم نیست با این حال با هم خویشاوند هستند و خواهرزاده در دل دایی جا دارد)

$$\frac{1}{12} + \frac{3}{4} \times 3 \times 3 = \frac{1}{12} + \frac{9}{12} + \frac{10}{12}$$

عدد ۴ در عدد ۱۲ قرار دارد . خواهرزاده دایی

در این گروه دایی مخرج مشترک می‌باشد و خواهرزاده برای اینکه در کنار دایی قرار بگیرد باید در عدد ضرب شود تا به اندازه دایی در بیاید. گروه سوم (غریبه‌ها): در این گروه اعداد هیچ ارتباطی با هم ندارند و به عبارتی با مفهوم دو همسایه تلقی می‌شود یعنی همسایه فامیل‌های مختلفی دارند و هر کدام برای اینکه مخرج مشترک به نام فامیل آنها شود سر آن دعوا می‌کنند و کتک کاری انجام می‌دهند. (کتک کاری در اینجا یعنی ضرب کردن) و مخرج مشترکین گروه ضرب دو عدد در هم می‌باشد.

$$\frac{1}{3} + \frac{2}{4} = \frac{4}{12} + \frac{6}{12} + \frac{10}{12}$$

همسایه ۱ (انصاری) همسایه ۲ (حسینی)

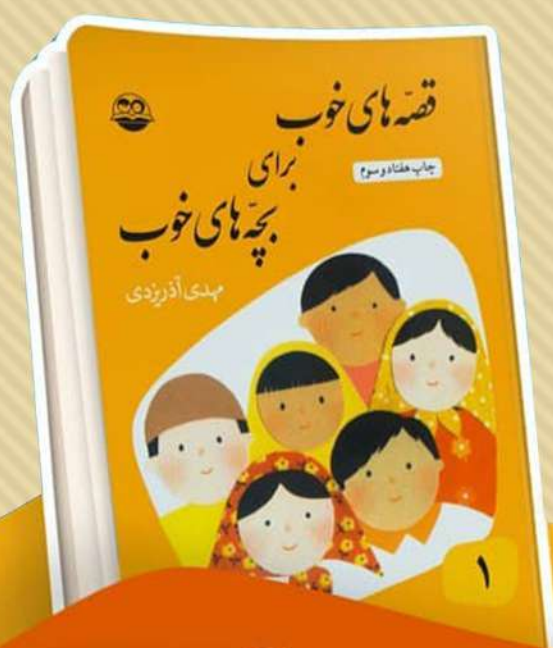
تمام مشکلات دانش آموزان شناسایی مخرج مشترک است که با کدگذاری مخرج‌ها به سه گروه و ایجاد نظم فکری کاملاً به نتیجه می‌رسیم.

سرکارخانم انصاری فر ✍️
(معلم خلاق مقطع ابتدایی)

کافه کتاب

و رسوم زندگی گاه از گاه قصه، داستان، فیلمنامه و متن ادبی زیبایی بیافریند. به قطع یقین نمی‌توان قبول کرد، وقتی دانش‌آموزی قصه یا داستانی می‌آفریند، کاملاً حاصل ذهن خود او باشد چرا که او توسط کتاب‌های داستان، کارتون‌های تلویزیون، خاطره‌گویی‌های بزرگ‌ترها و... احاطه شده است. و اصولاً او در خلق قصه‌اش از همه موارد ذکرشده نوعی تقلید و الگوبرداری می‌کند که کاملاً طبیعی است. قصه‌های خوب از بچه‌های خوب می‌تواند شروعی برای ثبت قصه‌ها و داستان‌های دانش‌آموزان ما باشد. خیلی وقت‌ها باید به نوجوانان هم میدان داد تا در عرصه‌های نویسندگی، قصه‌نویسی، مجری‌گری و... وارد شوند. به امید کامل و کامل‌تر شدن در آینده نزدیک، جلد‌های دیگر کتاب قصه‌های خوب از بچه‌های خوب به چاپ خواهد رسید.

کتاب قصه‌های خوب از بچه‌های خوب نوشته رستم پور
سخنی از زبان گردآورنده (الیاس رستم پور): گاه از گاه که برخی از قصه‌های کتاب‌های قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب به قلم مرحوم مهدی آذرزیدی را در کلاس انشا برای بچه‌ها می‌خواندم، در این فکر فرو می‌رفتم که آیا می‌شود قصه‌های خوبی از دانش‌آموزان در کلاس خواند؟ به همین منظور بر آن شدم تا برخی از قصه‌های خوبی که بچه‌ها در کلاس انشا می‌نویسند را در مجموعه‌ای گردآوری نمایم. کتاب قصه‌های خوب از بچه‌های خوب جلد ۱، مجموعه ۱۵ قصه خوب و شیرین از دانش‌آموزان پایه هفتم (سعید حسینی، سجاد اژدری، مرتضی غضنفری، امیرحسین یادگاری، حسین کهرمی، علی حسینی احمدی، مهدی راست‌گو نژاد، محمدامین اکبرپور، محمدامین غضنفری، امیرحسین مهدی‌زاده، جواد نظری، مرتضی غلامی، محمدعلی راست‌گو نژاد، سید امیرحسین حسینی، نیما قادری) مدرسه نمونه شهید ناصری زیرکوه (خراسان جنوبی) است. قصه‌های این مجموعه حاصل ذهن خلاق و کنج‌کاو دانش‌آموزان این کلاس است. نوجوان با داشتن ذهن پویا و کنج‌کاو می‌تواند، با استفاده از نگرش‌ها، الگوها و آرزوهایش نسبت به حوادث، باورها، آداب



سعید حسینی



کافه سینما



فیلم تلویزیونی «کلاس سوم ب» به کارگردانی غلامرضا رضائی

داستان این فیلم در یک مدرسه اتفاق می‌افتد؛ معلم محبوب کلاس سوم (ب) برای همیشه مدرسه را ترک می‌کند، بی‌آنکه دلیل خاصی برای بچه‌ها بیان کند. بچه‌ها برای پیدا کردن دلیل این کار معلمشان، سعی می‌کنند او را خارج از مدرسه بیابند. پس از مدت کوتاهی معلم جوانی جایگزین معلم قبلی می‌شود، در حالی که بچه‌ها علاقه‌ای به او ندارند و خواستار بازگشت معلم خود هستند. بچه‌ها دست به دست یکدیگر داده و نهایت تلاش را برای بازگرداندن معلم خود می‌کنند. معلم جوانی به نام آقای ربیعی است که به مدرسه می‌آید و بچه‌ها به دلیل اینکه به معلم علاقمند بوده‌اند و فکر می‌کنند او به جای معلم دلبندشان آقای گلچین آمده است با او ارتباط برقرار نمی‌کنند و او را به شیوه‌های مختلفی آزار می‌دهند. در نهایت معلم جوان به دلیل تنبیهات زیادش بر روی یکی از دانش‌آموزان از کار اخراج می‌شود و متوجه می‌شود که دانش‌آموزان بدلیل علاقه زیاد به معلم قبلی‌شان، او را آزار می‌داده‌اند تا کلاس را رها کند و برود. بچه‌ها وقتی متوجه می‌شوند که معلم قبلی درگیر بیماری است و به همین دلیل مجبور شده کارش را رها کند، معلم جدید را می‌پذیرند.

امیرعلی محمدیان



بوم گردی

دره تجنود بهشتی در دل کویر تفتیده زیرکوه

دره زیبا و سرسبز تجنود در شهرستان زیرکوه یکی از جاذبه‌های زیبای خدادادی و بهشت گردشگران در استان خراسان جنوبی است که در فصل بهار و تابستان هرسال میزبان مسافران زیادی است. وجود رشته‌کوه‌های عظیم و مرتفع در دل خود جلوه‌هایی از زیبایی را به تصویر کشیده است، جلوه‌هایی که دیدنش علاوه بر پی‌بردن به قدرت و عظمت خداوند، روح و روان انسان را صیقل می‌دهد. دره تجنود در همسایگی کویر سوزان و تفتیده همت‌آباد زیرکوه و در فاصله کمتر از پنج کیلومتر یکی از معجزات خداوند در زمین به وقوع پیوسته است، دره‌ای سرسبز و زیبا با رودخانه‌ای جاری و درختانی عظیم که به بهشت گردشگران در استان خراسان جنوبی شهرت یافته است. دره تجنود در فاصله ۷۰ کیلومتری جنوب شرق مرکز شهرستان زیرکوه و در مجاورت روستای قدیمی تجنود قرار دارد. برای بازدید از این منطقه بهتر است با خودروی شخصی یا همراه تورهای گردشگری سفر کنید.

وقتی پای در دره تجنود می‌گذاری در دو سوی دره باغ‌هایی وجود دارند که انواع میوه از زردآلو گرفته تا عناب و زرشک در آن به چشم می‌خورد همچنین نسبت به فصلی که در آن پای بگذاری سرشار از زیبایی، شکوفه، سرسبزی و یا رنگ زیبای زرد پاییزی است. همچنین در دره تجنود، درختان چناری که درون تهی کرده‌اند و فضاهای خالی به‌اندازه یک اتاق را ایجاد کرده‌اند انسان را به نظاره دعوت می‌کند، همین‌طور آب روان در رودخانه، سرشار از انرژی و زندگی است مسیر آب انسان را به دیدن سرمنشأ دعوت می‌کند، وقتی مسیر رود به پایان می‌رسد صخره‌هایی ماسه‌ای نمایان می‌شوند آب در طول زمان و به‌آرامی بدون هیچ عجله‌ای سنگ‌های آهکی را به زیبایی بریده و مسیر خود را یافته است. همین‌طور دره تجنود علاوه بر جایگاه رفیعی که در بعد طبیعی دارد از لحاظ تاریخی و فرهنگی نیز حائز اهمیت است به‌طوری‌که سد تاریخی تجنود در پایین‌دست همین رودخانه یکی از آثار مهم و برجای‌مانده از دوره قاجار به است.

سعید حسینی





سال ۱۴۰۰

دولت

«پیشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»



عکاس: زهرا منصوریان / طرح جهاد آموزشی، تربیتی



ارتباط با ما:

جهت همکاری و ارتباط با نشریه دانشجوی امروز، معلم فردا:

تماس: ۰۹۱۵۲۶۹۶۴۸۵

نشانی ما در شبکه‌های اجتماعی: @skh_cfu_nashrie

ایمیل: skhcfu@gmail.com